



Mojahed
دوشنبه
اول اسفند
۱۳۸۴

۲۱ محرم
۱۴۲۷

February 20
2006

تظاهرات حامیان مقاومت در کشورهای مختلف اروپا و آمریکا در حمایت از رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

اکسیونهای اعتراضی در کشورهای سوئد، هلند، ایتالیا، آمریکا و اتریش



قطعه‌نامه پارلمان اروپا خواستار ارجاع پرونده اتمی رژیم به شورای امنیت و پشتیبانی از «اپوزیسیون دموکراتیک» ایران گردید

پارلمان اروپا این قطعه‌نامه را در اجلاس ۲۶بهمن ۸۴ در استراسبورگ با اکثریت آرا به تصویب رساند



در صفحهٔ ۳

2US\$ 1.5Pounds 3SFR 3C\$ 2€



اجلاس میاندوره‌یی شورای ملی مقاومت، همزمان با سالروز انقلاب ۲۲بهمن

- شورای ملی مقاومت، ارجاع پرونده اتمی رژیم به شورای امنیت، را سر آغاز دوران جدیدی از طرد شدگی رژیم آخوندی از سوی جهانیان دانست و خاطرنشان نمود که روشنگریها و پیگیریهای مقاومت، دراین تحول نقشی تعیین کننده داشته است
- شورای ملی مقاومت، تهدیدات ولی‌فقیه و رئیس‌جمهور رژیم مبنی بر بی‌اعتباری معاهده منع گسترش تسلیحات اتمی را ادامه سیاست اعلان جنگ به جامعهٔ بین‌المللی دانست و بر ضرورت طرد و تحریم رژیم آخوندی تأکید نمود
- شورای ملی مقاومت، تشدید انقباض درونی رژیم، تشدید خفقان و سرکوب اقشار مختلف مردم، ازجمله کارگران شرکت واحد تهران را نشان اعلان جنگ حاکمیت آخوندی به مردم ایران همزمان با اعلان جنگ به جامعهٔ بین‌المللی توصیف کرد
- شورای ملی مقاومت، تظاهرات توده‌های مردم عراق و شکل گیری جبهه گسترده‌یی از نیروهای ملی و دموکراتیک عراقی علیه مداخلات رژیم آخوندی را ستود و آن را پاسخ شایسته به سیاست صدور بنیادگرایی و تروریسم رژیم دانست

این راه‌حل و نیز از فراخوانهای پی درپی جهانی برای حذف برجسب تروریستی از سازمان مجاهدین و مقاومت مشروع ملت ایران – به ویژه مباحثات اخیر مجلس اعیان انگلستان و قطعنامه مصوب سنای بلژیک و هم‌چنین بیانیهٔ ۱۲۰۰۰ حقوقدان و وکیل عراقی – قدردانی کرد و از اتحادیه اروپا و آمریکا خواستار لغو بلادرنگ برجسب ظالمانه تروریستی و زدودن آثار شوم سیاست فاجعه‌بار ممانشات شد.

اجلاس شورا تأکید کرد که اتخاذ یک سیاست قاطع بین‌المللی و تغییر دموکراتیک به دست مردم و مقاومت ایران، بهترین راه خلاصی ایرانیان و جهانیان از جنگال رژیم ضد ایرانی وضد انسانی آخوندهاست که می‌کوشد با سرکوبی وحشیانه و مسلح شدن به بمب اتمی و مداخله‌جویی و صدور بنیادگرایی و تروریسم به عراق و دیگر کشورهای منطقه، سلطه نامشروع خود را بر مردم ایران حفظ کند.

در خاتمهٔ بحثها، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت تأکید کرد: «هرروز مردم ایران و تاریخ ایران و نیروهای دموکراتیک منطقه و جهان به تک تک ما چشم دوخته‌اند و از اعضای این مقاومت، کار و احساس مسئولیت و وظیفه‌شناسی متناسب با این دوران را انتظار دارند. امید و ایمان دارم که این مقاومت و اعضا و حامیانش ظرفیت و صلاحیت و توان آن را دارند که بهترین پاسخ را به ملت بزرگ و مقاوم ایران بدهند».

دبیر‌خانه شورای ملی مقاومت ایران ۲۵بهمن ۱۳۸۴

عراق است. دراین باره، بیانیه بیست وچهارمین سالگرد تأسیس شورا با تأکید بر«فراگیر شدن یک آگاهی اجتماعی نسبت به خطر بنیادگرایی و دیکتاتوری حاکم بر ایران برای استقرار دموکراسی و ثبات در عراق» خاطرنشان کرده بود که «این امر، در پیوند با آگاهی عمیق مردم و مقاومت ایران نسبت به ابعاد همین خطر، یک نیروی تاریخی و یک سد بزرگ اجتماعی و سیاسی را در برابر ارتجاع و بنیادگرایی و تروریسم ناشی از آن، شکل داده است». بر همین پایه است که سرمایه‌گذاریهایی کلان و استراتژیکی حاکمیت آخوندی برای تحمیل الگوی رژیم ولایت فقیه به کشور همسایه، بر اثر آگاهی فزاینده و پیوند عمیق و گسترده مردم و نیروهای دموکراتیک کشور همسایه با مردم و مقاومت ایران، با مقاومتی بنیادی مواجه شده که می تواند آن را با شکست روبه‌رو کند.

شورا هم چنین، در بخش دیگری از بحثهای خود، با توجه به این واقعیت که در وضعیت کنونی، به ویژه پس از ارجاع پروندهٔ اتمی رژیم آخوندی به شورای امنیت ملل متحد، موضوع نحوهٔ برخورد با دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران، بیش از همیشه به یک معضل عاجل جهانی تبدیل شده است، بار دیگر بر«راه حل سوم» ارائه شده از سوی رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت – نه جنگ خارجی، نه ممانشات، بلکه تغییر دموکراتیک از طریق مردم ومقاومت ایران – تأکید نمود و در همین راستا از حمایتهای هزاران حقوقدان و نماینده پارلمان از کشورهای مختلف اروپا از

حقوق خود، ازجمله حق تشکیل سندیکای مستقل، هستند، به خشونت‌بارترین صورت مورد حمله قرارمی‌دهد و در شیخون صدانسانی به آنها قبل از اعتصابشان، صدها تن از آنان و حتی کودکان و همسرانشان را دستگیر می‌کند و هنوز هم آنها را تحت شکنجه و فشارهای طاقت‌فرسا نگهداشته است.

شورا، در بررسی موقعیت در عراق، به مداخلات و اعمال نفوذ گستردهٔ رژیم آخوندی در انتخابات پارلمانی این کشور پرداخت و با ابراز خوشوقتی از حسن توجه نیروهای ملی و دموکراتیک عراقی به پیام شورای ملی مقاومت ایران در ماده ۵۴ بیانیه بیست و چهارمین سالگرد تأسیس شورا، مشارکت فعال این نیروها، به ویژه جریانهای سنی، را در مبارزهٔ انتخاباتی و تظاهرات و اعتراضات توده‌های مردم عراق که به مداخله بین‌المللی برای رسیدگی به مداخلات رژیم آخوندی منجر گردید، ستود و تأکید کرد که شکل‌گیری این جبههٔ گستردهٔ سیاسی و اجتماعی در عراق، پاسخ شایسته به خطر بزرگی است که دو میلیون و هشتصد هزار عراقی آن را اشغال پنهان ملایان و تهدید جدی ثبات و دموکراسی در کشورشان دانستند. این تحول مهم به رغم تمامی مداخلات و تقلبات رژیم آخوندی، اکنون با اتکا به یک فراکسیون بزرگ و قدرتمند پارلمانی و بیداری و حضور مردم عراق، تعادل تحمیلی ومطلوب آخوندهای حاکم بر ایران را برهم‌زده و علاوه براین واجد پیامهای ارزشمند و نویدبخشی در روابط بین دو ملت ایران

بر حق بوده است. اکنون نیز سیر تحولات روزمره، ازجمله تصریحات و تهدیدات ولی‌فقیه و رئیس‌جمهور رژیم مبنی بر بی‌اعتباری معاهده منع گسترش تسلیحات اتمی(ان. پی.تی) و احتمال تجدیدنظر رژیم در استفاده«صلح آمیز» از انرژی هسته‌یی، مؤید این واقعیت است که حکومت آخوندی مصمم به دستیابی به سلاح اتمی است و تدبیر برای بقای خود را در قرار به جلو و ادامه سیاست اعلان جنگ به جامعهٔ بین‌المللی یافته است. از همین رو، اجلاس شورا با تأکید مجدد بر ضرورت طرد و تحریم رژیم آخوندی و جایگزین کردن سیاست ممانشات با یک سیاست قاطع بین‌المللی، یادآور شد که «اگر به آخوندها زمان بیشتر داده شود، فاجعهٔ دستیابی یک دیکتاتوری تروریستی و بنیادگرا به سلاح اتمی، با همهٔ مخاطرات آن برای ملت ایران و برای منطقه و جهان در پیش است»(بیانیه بیست و چهارمین سالگرد تأسیس شورا).

شورا، هم چنین تشدید بحران و انقباض درونی رژیم، تشدید خفقان در داخل کشور، افزایش اعدامها، بالا بردن فشار بر زندانیان سیاسی و سرکوبی وحشیانهٔ اعتصابها و حرکتهای اعتراضی اقشار مختلف مردم را بررسی نمود و این رخدادها را نشان بارز اعلان جنگ حاکمیت آخوندی به مردم ایران همزمان با اعلان جنگ به جامعهٔ بین‌المللی ارزیابی کرد. در این بحث خاطرنشان گردید که رژیم شید آخوندها از مهرورزی و حقوق مستضعفان دم می‌زند، ولی کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران را که خواستار ابتدایی‌ترین

اجلاس میاندوره‌یی شورای ملی مقاومت در روزهای ۲۲و۲۳بهمن۱۳۸۴، همزمان با بیست و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب ضدسلطنتی مردم ایران، با حضور خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیدهٔ شورا، برگزار گردید. در آغاز، با اجرای جمعی سرود «ای ایران ای مرز پرگهر»، سرود رسمی شورای ملی مقاومت ایران، سالگرد انقلاب ۲۲بهمن گرامی داشته شد و خانم رجوی با یادآوری اهداف آن انقلاب در مسیر آزادی و استقلال ایران، از شهیدان و پیشتازان انقلاب تجلیل کرد.

شورا آن گاه به بررسی تحولات سیاسی داخلی، منطقه‌یی و بین‌المللی در سه ماه پس از اجلاس آبانماه پرداخت و از ارجاع پرونده اتمی حکومت آخوندی به شورای امنیت ملل متحد، به مثابه سرآغاز دوران جدیدی از انزوا و طردشدگی رژیم آخوندی از سوی جهانیان، استقبال کرد و خاطرنشان نمود که در این تحول، روشنگریهای شورای ملی مقاومت ایران پیرامون طرحهای مخفی حاکمیت آخوندی برای دستیابی به سلاح اتمی و پیگیریهای شورا و هموطنان و حامیان مقاومت ایران برای ارجاع پرونده اتمی رژیم به شورای امنیت، نقشی تعیین‌کننده داشته است. این تحول هم چنین نشان می‌دهد که تحلیل و موضعگیری شورای ملی مقاومت ایران چه در مورد ضرورت اتخاذ یک سیاست قاطع در قبال دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران به طور عام، و چه در مورد ارجاع پرونده اتمی رژیم به شورای امنیت ملل متحد به طور خاص، تا چه حد صحیح و

در صفحات دیگر		
دولت پاسداران چرا و چگونه «سهام عدالت» توزیع می‌کند؟ یزدان حاج‌حمزه یک روی سکه سیاست داخلی این دولت سرکوب بی‌امان حرکتهای سیاسی یا صنفی مسالمت‌آمیز است و روی دیگر آن توسل به اقدامات مشخص مادی برای جلوگیری از ریزش نیروهای «خودی» است. در صفحهٔ ۵	ایران: تهدیدات، چالشها، راه کارها جلسه استماع در کنگره آمریکا در این جلسه که به دعوت نمایندگان هردو حزب جمهوریخواه و دموکرات برگزار شد شماری از سخنرانان بر ضرورت خارج ساختن نام سازمان مجاهدین خلق ایران از لیست تروریستی تأکید کردند. در صفحهٔ ۱۲	حقیقت در برابر دروغ مروری بر گزارش هیأت پارلمان اروپا درباره گزارش مغرضانه «دیدبان» علیه مجاهدین (۵) قسمت پنجم از گزارش هیأت پارلمان اروپا پیرامون گزارش مغرضانهٔ دیدبان، ادامه میحت «شاهدان دیدبان حقوق‌بشر» است و به دعاوی «شاهدان»ی می‌پردازدکه دیدبان گزارش مغرضانهٔ خود علیه مجاهدین را بر اساس دعاوی آنها تنظیم و منتشر کرده است. در صفحهٔ ۶
هشدار مسئول کمیسیون مذاهب و آزادی ادیان در شورای ملی مقاومت ایران نسبت به توطئه رژیم برای دعوت به جنگ مذهبی در صفحهٔ ۲	بیش از ۱۰۰۰ وکیل و حقوقدان ایتالیایی خواستار حذف نام سازمان مجاهدین از لیست تروریستی شدند در فراخوان حقوقدانان ایتالیایی تصریح شده‌است که گنجاندن نام سازمان مجاهدین خلق ایران، نیروی اصلی مقاومت ایران در لیست سازمانهای تروریستی هیچ مبنای حقوقی، سیاسی و اخلاقی ندارد و باید بلادرنگ تصحیح شود. در صفحهٔ ۱۲	گفتگو با دکتر منوچهر هزارخانی چند پرسش و پاسخ پیرامون ارجاع پرونده اتمی رژیم ایران به شورای امنیت گزیده‌یی از پرسش و پاسخهای مطرح شده در برنامه ارتباط مستقیم سیمای آزادی – تلویزیون ملی ایران، که روز چهارشنبه ۱۲بهمن ۸۴ برگزار گردید. در صفحهٔ ۷
ستاد فرماندهی نیروهای چند ملیتی در عراق تعهد عمیق ائتلاف را نسبت به اصل عدم بازگشت اجباری ساکنان اشرف اعلام کرد در پاسخ به شکایت سازمان مجاهدین خلق ایران و اعتراضات پارلمانترها و حقوقدانان به تشنات رژیم آخوندی و عوامل آن در دولت عراق مبنی بر اخراج مجاهدین از این کشور، ستاد فرماندهی نیروهای چند ملیتی در عراق در نامه‌یی خطاب به مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران، تعهد عمیق ائتلاف را نسبت به اصل عدم بازگشت اجباری ساکنان اشرف که یک اصل شناخته شده حقوق بین‌الملل است، اعلام کرد. جانشین فرماندهی نیروهای چند ملیتی در عراق در نامهٔ خود به خانم صدیقه حسینی تأکید کرد: ما بطور خاص، نسبت به التزامات مشخص شده درماده ۴۵ کنوانسیون چهارم ژنو حساس هستیم که انتقال یک فرد حفاظت شده را به کشوری که او ممکن است نگران اذیت و آزار به‌خاطر عقاید سیاسی یا اعتقادات مذهبی‌اش باشد، ممنوع می‌کند.		

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران

حرفهای بیست و چندساله مقاومت ایران و طرح یک سؤال



روز پنجشنبه، ۲۷بهمن، خاتم رابس، وزیرخارجه آمریکا گفت: «رژیم ایران نقش هزینه‌پرداز اصلی تروریسم در جهان را ایفا می‌کند، در همین روز آقای دوست بلازی وزیرخارجه فرانسه گفت: هیچ طرح صلح‌آمیزی نمی‌تواند برنامه هسته‌یی (رژیم) ایران را توضیح دهد. این یک برنامه هسته‌یی نظامی مخفی است». این دو تأکید، بر قلب دعوای جامعه بین‌المللی – و به طریق اولی مردم ایران – با رژیم آخوندها انگشت می‌گذارد، ماهیت امنیتی پرونده اتمی رژیم و لزوم ارجاع آن به شورای امنیت ملل متحد را مؤکد می‌سازد و در حال عین بیانگر این حقیقت است که آن چه مقاومت ایران از دو دهه پیش در این باره می‌گوید، به‌حق بوده است.

مجاهدین نه تنها افشاکننده ۴۵۰عمل تروریستی آخوندها درخارج ازمرزهای ایران بوده‌اند، بلکه از «مخفی کاری نظامی» ۱۸۰ساله فاشیسم مذهبی و طرحهای موازی مشابه فاشیسم هیتلری برای رسیدن به بمب اتمی پرده برداشتند و نشان دادند که آخوندها در حال تهیه برلیوم و تریتیوم و آلیاژهای مخصوص ساختن بمب و موشکهای حمل کلاهک اتمی هستند و تأسیسات اتمی‌شان، نه درمرکز علمی، بلکه در پادگاههای نظامی و در تونلهای پنهان متری عمق زمین، زیر نظر «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» است.

بنابراین، مدتهاست که از نظر فنی و حقوقی، درخصوص ماهیت امنیتی پرونده رژیم چیزی پنهان نمانده است. در بیانهای رسمی بالاترین مقامهای مسئول دولتی دراروپا و آمریکا و قطعنامه‌ها و گزارشهای شورای حکام وممبرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم ابهامی باقی نیست. آن چه باقیست و به فاشیسم مذهبی علیه ملت ایران وصلح جهان زمان می‌دهد، درعرصه سیاسی

کارزار مقاومت در هفته بی که گذشت

گزارش



از راست: علیرضا جعفرزاده، کریستوفر جوینر، پروفیسور حقوق و سیاست بین‌المللی در دانشگاه جورج تاون و گاردننۀ جلسه؛ مایکل اسپایس از کمیته حقوقدانان برای سیاست هسته‌یی؛ دیوید کاپلو، پروفیسور حقوق در دانشگاه جرج تاون و رئیس مرکز تحقیقات کاربردی حقوق



از راست: پروفیسور ریچوند تنتر، رئیس کمیتهٔ سیاست ایران و استاد دانشگاه جرج تاوۀ تد هرش، وکیل وزارت خارجه آمریکا؛ دانیل مارکوس مشاور سابق کمیسیون یازده سپتامبر و استاد حقوق و سیاست در دانشگاه آمریکا؛ لئونارد اسپکتو،معاون مرکز منع گسترش تسلیحات در انستیتیو مونتری؛ دیوید جوناس، مشاور اداره امنیت ملی اتمی در وزارت انرژی آمریکا



از راست: دریل کیلی، مدیر اجرایی انجمن کنترل تسلیحات؛ رابرت کری، مدیر گروه امنیتی دوجری؛ بروس فاین، معاون سابق دادستان کل در زمان ریاست جمهوری رونالد ریگان؛ دانیل مارکوس، مشاور سابق کمیسیون یازده سپتامبر و استاد حقوق و سیاست در دانشگاه آمریکا؛ شارون اسکواسونی، متخصص امور خارجی، دفاع و تجارت در سریس تحقیقاتی کنگره



از راست:توماس لهرمن، از وزارت خارجهٔ آمریکا؛ کنت آندرسون، پروفیسور دانشکدهٔ حقوق دانشگاه آمریکا؛ جیمز کراساک، عضو دفتر حقوقی ستاد مشترک نیروهای مسلح در پنتاگون؛ کاترین لوترینوت یوران، مشاور حقوقی در هیأت مشورتنی اطلاعات خارجی کاخ سفید

پروفسور تنتر: آمریکا باید از اپوزیسیون ایران و از تغییر دموکراتیک در ایران حمایت کند

علیرضا جعفرزاده: مردم ایران خواستار سرنگونی تمام عیار رژیم آخوندها هستند

روز پنجشنبه ۲۰آبهن، در یک سمینار مهم در دانشگاه آمریکن که از جانب دانشکدهٔ حقوق این دانشگاه و به‌مناسبت جلسهٔ سالیانۀ مجلهٔ بررسی حقوق بین‌المللی برگزار شده بود، آقای علیرضا جعفرزاده شرکت کرده و به‌سخنرانی پرداخت.

در این سمینار سخنرانان دیگری از جانب دولت آمریکا، متخصصین اتمی و نیز استادان دانشگاه‌های معروف آمریکا شرکت داشتند.

از جمله سخنرانان این سمینار خانم کاترین لوترینوت یوران، عضو هیأت مشورتنی اطلاعاتی رئیس‌جمهور آمریکا و از مشاوران کاخ سفید، آقای اندرو سیمبل، معاون دستیار وزیر خارجه در امور کنترل تسلیحات اتمی، آقای جیمز کراساک، از ستاد مشترک نیروهای ارتش آمریکا، آقای دیوید جوناس، از مدیریت امنیت اتمی وزارت انرژی آمریکا، تاد هیرش، وکیل وزارت خارجه آمریکا، پروفیسور ریچوند تنتر، استاد دانشگاه جورج تاون، آقای لئونارد اسپکتور، معاون مرکز مطالعات منع گسترش تسلیحات اتمی، خانم شارون اسکواسونی، متخصص دفاعی سرویس تحقیقات کنگرهٔ آمریکا، آقای داریل کیمپال، مدیر اجرایی انجمن کنترل تسلیحات، پروفیسور دیوید کاپلو از دانشگاه جورج تاون، و توماس لهرمن از وزارت خارجه آمریکا بودند.

پارلمان اروپا با تصویب قطعنامه‌یی از ارجاع پروندهٔ اتمی

رژیم ایران به شورای امنیت حمایت نمود و

خواهان پشتیبانی از «اپوزیسیون دموکراتیک» ایران گردید

ظهر روز چهارشنبه ۲۶بهمن۱۳۸۴، پارلمان اروپا در اجلاس خود در استراسبورگ، قطعنامهٔ شدیدالحنی را در محکومیت فعالیت‌های اتمی رژیم ایران و با تأکید بر ضرورت تماس‌ها و همکاری‌ها، در جمله با اپوزسیون دموکراتیک ایران، با اکثریت آرا به‌تصویب رساند.

قطعنامهٔ پارلمان اروپا، اظهارات دجالگرنهٔ رئیس‌جمهور ارتجاع مبنی بر نابودی اسرائیل و تهدیدات تروریستی آن علیه کشورهای منطقه را محکوم کرده‌است.

پارلمان اروپا ضمن ابراز نگرانی عمیق دربارهٔ برنامه اتمی رژیم و به‌خصوص برداشتن مهر و موم‌های چندین تأسیسات هسته‌یی و هم‌چنین تصمیم بر شروع مجدد فعالیت‌های غنی‌سازی، تصریح می‌کند که قطعنامه‌های مصوب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به‌خصوص قطعنامهٔ ۴فوریه۲۰۰۶ شورای حکام، صلح آمیز بودن مقاصد رژیم را در برنامهٔ اتمیش زیر علامت سؤال می‌برد.

قطعنامهٔ پارلمان اروپا با یادآوری مفاد قطعنامهٔ شورای حکام، برضرورت تعلیق کامل و ادامه‌دار همهٔ فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و بازپووری، ساختن راکتور آب سنگین، اجرای کامل پروتکل الحاقی و اقدامات شفاف‌سازی درخواست شده توسط دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تأکید می‌کند.

پارلمان اروپا هم‌چنین مداخلهٔ شورای امنیت ملل متحد آن‌چنان‌که توسط آژانس پیشنهاد شده‌است را به‌عنوان یک گام ضروری برای ارزیابی وضعیت فعلی مورد تأیید قرار می‌دهد.

قطعنامهٔ پارلمان اروپا به کمیسیون اروپا فراخوان داده‌است جهت اجرای تمامی اقداماتی که باید در چارچوب ابتکار اروپایی برای دموکراسی و حقوق‌یشر اتخاذ شود، ازجمله تماس‌ها و همکاری‌ها با اپوزیسیون دموکراتیک، را شدت بخشد و مضافاً بر این همکام با پارلمان اروپا، از دموکراسی و احترام به حقوق بشر در ایران حمایت کند.

در این رابطه خارجه به شهروندان خود و نیز بر اعدام و سرکوب و اعمال غیرانسانی علیه اقلیت‌های قومی، مذهبی و سایر اقلیت‌ها افزوده است. این رژیم اقدامات خصمانهٔ خود علیه جامعهٔ جهانی را شدت بخشیده است.

تظاهرات حامیان مقاومت در کشورهای مختلف اروپا و آمریکا در حمایت از رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

دستگیرشده و خواسته‌ای به حق آنها، نمودند. در آکسیون استیکلم نمایشگاه عکس باشکوهی در همین رابطه برپا شده بود که بسیار مورد توجه شهروندان سوئدی قرار گرفت.

هم‌چنین در هلند کمیتهٔ رانندگان ایرانی – هلندی با اعزام هیأتی به وزارت کشور، وزارت خارجه و پارلمان هلند، نامه‌های حمایت خود از اعتصاب کارکنان و کارمندان شرکت واحد اتوبوسرانی در تهران را به وزیر کشور، وزیرخارجه و رئیس پارلمان هلند تحویل دادند. در این نامه‌ها، دستگیریهای وحشیانهٔ کارگران زحمتکش و سرکوب شده توسط رژیم ضدبشری ملایان محکوم شده بود. به ضمیمهٔ این نامه فراخوان خانم مریم رجوی در حمایت از کارگران شرکت واحد و گزارش اتحادیهٔ کارگری سراسری هلند از اعتصابیون شرکت واحد و دستگیریهای وحشیانهٔ رژیم ایران تحویل داده‌شد. همزمان این نامه برای رسانه‌های خبری هلند نیز ارسال شد.



اداره می‌شود) و اخیراً به‌طور مستقیم از طریق «انصار حزب‌الله» و هم‌چنین تحت لوای «ضدتورریسم»، افزایش داده‌است.

بنا به تفتۀ مجتبی بیگدلی، سخنگوی انصار حزب‌الله، این شبکهٔ تلویزیونی ایرانی که به چندین زبان برنامه دارد، قرار است در اولین مرحله یک شبکهٔ خبری در اروپا، شمال آمریکا و آفریقای شمالی به زبانهای فارسی و عربی راه‌اندازی کند.

بنا به خبرگزاری رسمی ایرانی ایلنا (۲۴آبان۸۴) بیگدلی مدعی شد که وقایع خشونت‌بار اخیر در فرانسه مسلمانان را بیدار کرده و رفتار منزجرکنندهٔ دولت و پلیس فرانسه با جوانان مسلمان موجی را ایجاد کرد که نشان می‌دهد مردم دنیا کاملاً آگاه شده‌اند و به دنبال ایجاد جامعه‌یی با رهبری مرکزی هستند. وی افزود: تحت چنین شرایطی حزب‌الله و سایر نیروها مانند ما و ... باید وارد شده و فعالانه برای حرکت آگاهی‌بخشی در افکار عمومی مسلمانان کمک کنیم.

به گزارش خبرگزاری رویتر در آغاز سال گذشته،

گروه دوستان ایران آزاد به پارلمان اروپا به‌خاطر محکومیت طرح‌های هسته‌یی رژیم ایران تبریک می‌گوید

قبل از حملات جهانی در لندن، همین نمایندهٔ رژیم ایران اعلام کرد که: دولت انگلستان باید کانال ماهواره‌یی تبعیدیان ایرانی را ظرف مدت ۳۰روز تعطیل کند، در غیراین صورت با عواقب آن روبه‌رو خواهد بود و کمندوهای ما با حملات انتحاری در لندن، مجریان این کانال‌ها را به سزای اعمال خود خواهند رساند.

اخیراً سرویس‌های مخفی رژیم ایران کارزار خود علیه مخالفان را به‌شدت افزایش داده‌است. رژیم ایران در تلاش است تا با «تورریست» نشان دادن مقاومت ایران و با سیستم‌داران غربی که از آنها حمایت می‌کنند؛ انگشت اتهام را از روی خود منحرف کند.

وزارت اطلاعات ایران در پوش اسامی مختلف اقدام به خرید آگهی‌های بزرگ در روزنامه‌هایی مانند EU Reporter می‌کند تا از این طریق با پخش اکاذیب، اهداف شوم خود را در کارزارش علیه مقاومت ایران به‌بیش ببرد. کارشناسان امر اقدامات اخیر رژیم را مشابه کارزاری می‌دانند که این رژیم قبل از آغاز حملات تروریستیش در ابتدای دههٔ ۹۰، انجام می‌داد.

تظاهرات حامیان مقاومت در کشورهای مختلف اروپا و آمریکا در حمایت از رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران



حمایت اعضای سندیکای رانندگان اتوبوسهای پست وین از اعتصاب کارگران شرکت واحد



سازمانیافته آن سپرده شود. ما خواستار اجرای انتخابات آزاد زیر نظر سازمان ملل می‌باشیم. این اظهارات مورد استقبال حاضران قرار گرفت.

سپس سخنران بعدی آقای گوی گرایفل دینگ، رئیس انجمن رانندگان اتوبوسهای پست در سخنرانی خود گفت: باید از کارگران ایران به هر شکل حمایت کرد و با مقاومت ایران همکاری نمود و از این‌که کارگران ایران بیش از این تحت فشار و ستم رژیم ملاحا قرار بگیرند ممانعت به‌عمل آورد.

آقای هارالد ویتل، نمایندهٔ سندیکای راه آبی در سخنرانی خود با تأکید بر آن‌چه که دو سخنران قبلی گفتند برای شورای ملی مقاومت آرزوی موفقیت کرد.

در تجمعی که به حضور بیش از ۷۰نفر از اعضای سندیکای رانندگان اتوبوسهای پست وین در این شهر تشکیل گردید، دکتر منوچهر فخمی و گوی گرایفل دینگ، رئیس انجمن رانندگان اتوبوسهای پست سخنرانی کردند

در جلسه‌یی که روز ۲۵بهمن۸۴ به‌دعوت دکتر پوش، نماینده مجلس از حزب سوسیال دموکرات و باشرکت نماینده سندیکای راه‌آهن و نماینده سندیکای کارکنان شهرداری وین تشکیل شد، اعلام گردید که برای همدردی با کارکنان اعتصابی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، مراسمی در محل تعمیرگاه اتوبوسهای پست وین، در تاریخ چهارشنبه ۲۶بهمن در ساعت ۱۲/۳۰ برگزار خواهد شد.

به‌دنبال آن تجمعی با حضور بیش از هفتاد نفر از اعضای سندیکای رانندگان اتوبوسهای پست تشکیل گردید. هم‌چنین مراسمی با حضور نماینده مطبوعاتی سندیکای کل کارگری اتریش، خانم باربارا مایرون، برگزار شد. در این مراسم آقای دکتر فخمی، طی سخنانی ضمن اشاره به تاریخچه کوتاه‌ای به علت اعتصاب کارگران و خواسته‌های آنها به چگونگی دستگیری رانندگان شرکت واحد و شکنجه و آزار وابستگان و خانواده‌های آنها پرداخت.

دکتر فخمی در ادامه سخنرانی خود توضیحاتی در مورد وضعیت رژیم آخوندی در طول ۲۷سال حاکمیت آن و ۵۱۲محکومیت بین‌المللی این رژیم داد.

دکتر فخمی در بخش دیگری از سخنرانی خود به نقض وحشتناک حقوق‌بشر در ایران و اعدام ۱۲۰هزار زندانی، هم‌چنین سرکوب وحشیانه زنان و فشار مضاعف بر آنان و صدور تروریسم و بنیادگرایی رژیم پرداخت.

وی اضافه کرد: ما ایرانیان هوادار شورای ملی مقاومت از محکومیت این رژیم در شورای امنیت و راحمل سوم رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت برای تغییر دموکراتیک در ایران حمایت می‌کنیم. سرنوشت و آینده ایران بایستی به‌دست مردم ایران و مقاومت

چند پرسش و پاسخ پیرامون ارجاع پرونده اتمی رژیم آخوندی به شورای امنیت

برگزیده از برنامه ارتباط مستقیم «سیمای آزادی» با شرکت دکتر منوچهر هزارخانی

آنچه در زیر می‌خوانید، گزیده‌یی است از پرسش و پاسخهای مطرح‌شده در برنامه ارتباط مستقیم سیمای آزادی – تلویزیون ملی ایران، که روز چهارشنبه ۱۲ بهمن ۸۴ بر گزار گردید

سینه‌زدن برای منافع فرضی ملی برای این که این رژیم ادامه پیدا کند، هیچ معنایی جز عوامفریبی ندارد

● **چرا مقاومت ایران همواره دنبال ارجاع پرونده اتمی رژیم به شورای امنیت بوده و این موضوع چه مساله‌یی را حل می‌کرد**

اهمیت ارجاع پرونده اتمی رژیم به شورای امنیت سازمان ملل ناشی از اهمیت موضوع سلاح اتمی است. سلاح اتمی به‌دلیل اهمیتش به سلاح مطلق معروف شده است. وقتی سلاح مطلق در دست کسی باشد دیگر به آسانی نمی‌توانند هر کاری که می‌خواهند با او انجام بدهند به‌خصوص اگر در دست دیوانه‌هایی مثل آخوندها باشد.

علمی هم که آخوندها دنبال آن هستند علنی ندارد جز برای مجبه شدن به سلاح اتمی، برای این که هم یک نوع تقصین برای بقای خودشان است و هم برای ادعای قدرت جهانی شدن به آن نیاز دارند. و از همین بابت هم خطرناک است و بسیج همه نیروهای جهانی برای مقابله با این خطر لازم است. این حداقل کار است. راه قانونی آن هم این است که به شورای امنیت ارجاع داده شود. باخطر اتمی نمی‌شود شوخی کرد. خطری است که بشریت را تهدید خواهد کرد، آنهم نه یک نسل را، بلکه آثارش روی نسلهای بعدی هم خواهد ماند. بنابراین خطری است که مختصری از تصور آن‌را، زاینها دارند، ولی بقیه دنیا ندارند و از کنارتش به آسانی رد می‌شوند.

● **بعضیها می‌گویند ارجاع پرونده رژیم به شورای امنیت با منافع ملی ایران در تعارض و تضاد است و در این میان این ایران و مردم ایران هستند که ضرر می‌کنند و تا حد زیادی مسئله استقلال ایران دارند، حتی رادیو بی.بی.سی هم در گزارشی که چند وقت پیش پخش کرد از فعالیتهای اتمی رژیم تحت عنوان منافع مردم ایران دفاع می‌کرد.**

این یکی از ابزارهای عوامفریبانه‌یی است که از قدیم از آن استفاده کرده‌اند و در آینده هم خواهند کرد. ولی باید این افسانه را شکافت و پوچی آن‌را نشان داد. آنهایی که برای منافع ملی ایران سینه می‌زنند در ابتدا یگویند این ملی و ملت را به چی و به چه کسی می‌گویند و منافع ملی را چه کسی نمایندگی می‌کند؟

تمام هیأتهای حاکمه در تمام دنیا، در هر رژیمی که باشد، منافع خودشان را منافع ملی قلمداد می‌کنند. آنهایی که به‌طور دموکراتیک سر کار آمده‌اند، صورت به ظاهر موجه دارند و آنهایی که غیردموکراتیک آمده‌اند خود را قیم مردم می‌دانند. نظم موجود جهانی هم روی همین بنا شده است. یعنی این که دولتها را نماینده ملتها می‌دانند؛ سازمان ملل متحد هم این‌طور کار می‌کند، با ملتها کاری ندارد، سازمان دولتهای غیر متحد هست.

موقعی که احمدی نژاد آمد، شعارش این بود که می‌خواهد عدالت اجتماعی را برقرار کند. این شعار

یعنی چی؟ یعنی بی‌عدالتی به حد اکمل رسیده است. بی‌عدالتی یعنی چی یعنی یک عده‌یی حق کسان دیگری را می‌خورند. یعنی یک عده‌یی بقیه را برای پیشبرد منافع خودشان استثمار می‌کنند و حد و حدودی را نمی‌شناسند. این «ملت» یک مجموعه استثمارکنندگان و استثمارشوندگان را معرفی می‌کند. آن‌چه که در وضع کنونی جهان معرفت منافع و مصالح ملی تلقی می‌شود، دولت و هیأت حاکمه‌است.فرانسه یک کشور دموکراتیک است. دو نفری را که در قتل دکتر کاظم رجوی دست داشتند و دولت آلمان به فرانسه تحویل داده بود و قرار بود آن‌ها را به سوئیس بدهند، آزادشان کردند. این کار را دولت چطور توجیه کرد؟ گفت با سنجدین مصالح عالی ملی آن‌ها را آزاد کرده است. منافع خود را منافع ملت قلمداد کردن یکی از نقشهای دولت است، برای این که روی جدالی که در داخل دارد پرده بکشد.

این‌جا هم همین‌طور است. کسانی که فکر می‌کنند اگر دست رژیم آخوندی سلاح اتمی باشد به نفع ملت ایران است از دو حال خارج نیست یا آدمهای رژیم هستند یا بسیار آدمهای ابلیه هستند. برای این که چطور می‌شود رژیمی که مردمش آن‌را قبول ندارند منافعی داشته باشد که خیرش به مردم برسد. این موضع را که حالا شما در مورد فعالیتهای اتمی یادآوری می‌کنید، قیلا هم در جنگ میان ایران و عراق به صورت دیگری داشتیم. ولی استقلال همین بود با نام جنگ «میهنی».

وقتی که ارتش آزادیبخش به نیروهای رژیم حمله می‌کرد می‌گفتند مجاهدین به نیروهای ایران حمله کرده‌اند و فقط هم آدمهای به‌اصطلاح میهن‌پرست نمی‌گفتند، رادیوهای فارسی زبان خارجی هم همین را تبلیغ می‌کردند.

وقتی زمان فروغ جاویدان ارتش آزادیبخش حرکت کرد چطور شد که همه «میهن‌پرستان» گلوله شدند و پشت سر رژیم قرار گرفتند و همه‌شان از همه جای دنیا پیام می‌دادند که جلو حمله‌کنندگان را بگیرید، چرا؟ آخر ارتش آزادیبخش که ایرانی است نمی‌رود که کشورش را «شغال» کند؛ چرا آن‌را دشمن «خارجی» نشان می‌دهند؟ برای این‌که منافع متضاد دارند. آن‌ها راحت‌تر پشت سر رژیم قرار می‌گیرند تا آدمهایی که واقعاً خواهان برانداختن ظلم و بی‌عدالتی هستند. آن‌ها بساط میهن‌پرست بازی را هر چه زودتر جمع کنند به نفع خود خدشان است چون آبرویشان کمتر می‌ریزد.

● **با رفتن پرونده رژیم به شورای امنیت برخیها ابراز نگرانی که در این شورا مجازاتهایی مثل تحریم تصویب شود در این صورت این مردم ایران هستند که به دلیل همین مجازاتها تحت فشار قرار می‌گیرند.**

اینهم در طیف همان سؤال قبلی است و مفهوم آن این‌است که اگر رژیم به فناوری هسته‌یی دست پیدا

کند برای مردم ایران خوب می‌شود و مردم ایران در آسایش و راحتی زندگی می‌کنند. در حالی‌که تجربه روزانه در صحنه جهانی عکس این‌را نشان می‌دهد.

کشورهایی که فعلاً ابتکار این‌کار را به دست گرفته‌اند خودشان می‌گویند اولین اقداماتی که انجام می‌شود جنبه لطمه‌زدن به جمعیت کشور را ندارد و فقط به دولت و هیأت حاکم لطمه می‌زند یعنی ملاقاتهای سطح جهانی را ممنوع می‌کنند. رفت و آمدها و مسافرت‌های رسمی را محدود می‌کنند از این قبیل.

بنابراین سینه‌زدن برای منافع فرضی ملی برای این‌که این رژیم ادامه پیدا کند، هیچ معنایی جز عوامفریبی ندارد.

● **حرف رژیم در مورد پروژه‌های اتمیش، استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌یی است و می‌گوید دنیا قصد دارد جلو فناوری صلح‌آمیز و پیشرفت ایران در استفاده از انرژی هسته‌یی را بگیرد و بعضیها هم پشت این موضوع می‌روند و جنبه عملی و پیشرفت علمی را برجسته می‌کنند و آن‌را حق رژیم و به بیان آنها حق مردم می‌دانند. در این مورد چه توضیحی دارید؟**

یک بچه که کودکستانی را به من نشان دهید که این حرف را باور کند. رژیمی که خاک میهن را به توره کشیده و آدم‌ها را به سیخ می‌کشد، تظاهرات کارگران شرکت واحد را با آن شدت سرکوب می‌کند، تظاهراتی را که ماده اول بیانیه آن اعلام وفاداری به رژیم است نمی‌تواند تحمل کند، شما باور می‌کنید آتمی دست پیدا کند، ضامنت همیشگی بخوانند برای مردم برق تولید کند، برای همین می‌خواهند فعالیت اتمی داشته باشند؟ چه کسی این‌را باور می‌کند در حالی‌که تمام قرائن و شواهد عکس آن‌را ثابت می‌کند؟ رژیم فکر می‌کند اگر به سلاح اتمی دست پیدا کند، ضامنت همیشگی حکومت اسلامی را به‌دست آورده است.

می‌گویند مردم ایران حق دارند؛ ولی بلافاصله

این حق را به دولتی می‌دهند که منتخب مردم ایران نیست. اگر حق مردم است بگذارید وقتی مردم به حاکمیت رسیدند دنبال حاکشان باشند، اما اگر حق دولت است دیگر مردم را بدانم بگذارند. دولت برای پیشبرد امور خودش، که با تروریسم پیوند بسیار نزدیک دارد در سطح جهان، می‌خواهد به سلاح اتمی دست پیدا کند؛ با این موافق هستید یا مخالفید؟

طرح درست سؤال به این شکل است. من محضاً به استفاده از نیروی اتمی رأی منفی می‌دهم، ولو برای تولید برق باشد. خطرش قابل‌پیش‌بینی و قابل جلوگیری نیست. چرنوبیل نمونه‌اش هست و چرنوبیلهایی که وجود داشتند ولی صدای آن‌را در نمی‌آوردند.

اما راجع به حق مردم ایران، اگر این حق باشد چطور



است. در مورد ایران می‌نویسد آمریکاییها از سال ۲۰۰۰ مطلع بودند که اینها دارند کارهایی می‌کنند ولی به روی خودشان نمی‌آوردند و یک سیاست درلایی در مقابل رژیم داشتند. سیاست فعلی را جدیداً در پیش گرفته‌اند.

چرا حالا؟ چون احساس کرده‌اند که اگر به همین ترتیب ادامه بدهند مزاحمتهای زیادی برایشان در سطح جهان ایجاد خواهد کرد. ماکزیمم کوشش را کردند که با این رژیم کنار بیایند، از وارد کردن نیرو در اورسوراوز تا وارد کردن نام مجاهدین در لیست تروریستی تا هر گونه محدودیت و فشاری که می‌شد باشد همان را می‌گویند و فردا زیرش می‌زنند. با چنین نیرویی بود که در مقابل رژیم ایستاد و یک لحظه هم مقابله را تعطیل نکرد.

الان لابد به جایی رسیده‌اند که منافع خودشان را درخطر می‌بینند. من دلیل دیگری نمی‌بینم؛ به‌خصوص نه این دلیل را که نیروهای اسانلدوستی هستند یا به پرسنیهای اخلاقی متعهدند. در منافع روزشان با شدت همان را می‌گویند و فردا زیرش می‌زنند. با چنین دنیایی طرف هستیم و باید راهمان را باز بکنیم.

به همین دلیل به طور دقیق نمی‌توانم بگویم چرا حالا به این فکر افتاده‌اند فکر می‌کنم بهتر است از خودشان بپرسید!

● **آیا ارجاع پرونده رژیم به شورای امنیت کافی است و آن‌چه را که مقاومت و مردم ایران می‌خواستند به وسیله آن به آن می‌رسند؟**

این قدم اول است که خارج از مقاومت ایران دارند برمی‌دارند. آن‌چه که ما می‌خواهیم این نیست. ما خواهان سرنگونی رژیم هستیم. توسط مردم و مقاومت ایران. خواهان محکوم کردن رژیم به‌عنوان قدم آخر نیستیم. باید قدم به قدم از این خرس مو کُند؛ ولی سرعت این قدمها کند است چون می‌خواهند با اجماع پیش بروند. بدیهی است این نهایت چیزی که ما می‌خواهیم نیست.

وارد این ماجراجویی یا قمار سیاسی شده است و در این زمینه از سیاست شل کن سفت کن که سیاست خاص آخوندی است دارد استفاده می‌برد. هیأت حاکمه کنونی به‌خصوص از رقابت و اختلاف‌نظر قدرتهای بزرگ دنیا و شکاف میان آنها می‌تواند استفاده کند؛ از رقابتی که میان چین و روسیه با کشورهای غربی وجود دارد و از اختلافاتی که میان آمریکا و اروپا هست بهره‌اش را می‌برد؛ از برگی که در عراق، به‌دلیل دخالت‌هایش، در دست دارد استفاده می‌کند؛ می‌تواند از ماهیت تروریستی خودش برای ایجاد آشوب و بلوا در کشورهای دیگر و برای ترساندن و باج گرفتن از بقیه استفاده کند؛ می‌تواند به عنوان علمدار نهضت اسلامی – که الان مورد توجه سیاستهای غربی است تا منطقه را آرام کنند و به جنگ خاتمه بدهند و سروسامانی به خاور میانه بدهند – آن‌جا را شلوغ کند و استفاده‌اش را از تمام این آتوها را دارد. از این برگ‌هایی که در دستش هست هم استفاده کرده و هم استفاده خواهد کرد. اینها چیزهایی است که روی آنها حساب می‌کند.

● **آا سالها پیش مقاومت ایران خطرات سلاح اتمی و دستیابی رژیم به آن را گوشزد می‌کرد ولی گوش شنوایی وجود نداشت حالا چی شده که الان با چنین صحنه‌یی مواجه هستیم**

دقیق نمی‌توانم بگویم چرا الان با آن مواجه هستیم، ولی می‌توانم بگویم قدرتهای بزرگ دنیا، آنهایی که علیه رژیم بر گشته‌اند، تا مدت‌ها همراه رژیم حرکت می‌کردند. سیاست آنها رژیم را تقویت می‌کرد. رژیمی که هیچ حیثیتی در میان مھوظان در داخل کشور ندارد، اگر حمایت سیاسی خارجی را از پشت آن بردارند ترلزش ضریب مهمی پیدا خواهد کرد و سقوطش خیلی نزدیک خواهد شد. ظاهرأ کتابی در آمریکا چاپ شده که گزارش مختصری از آن‌را در یکی از روزنامه‌ها خواندم در مورد گافهایی که سیا طی ۲۰سال مرکب شده

شایسته‌ترین رئیس جمهور نظام

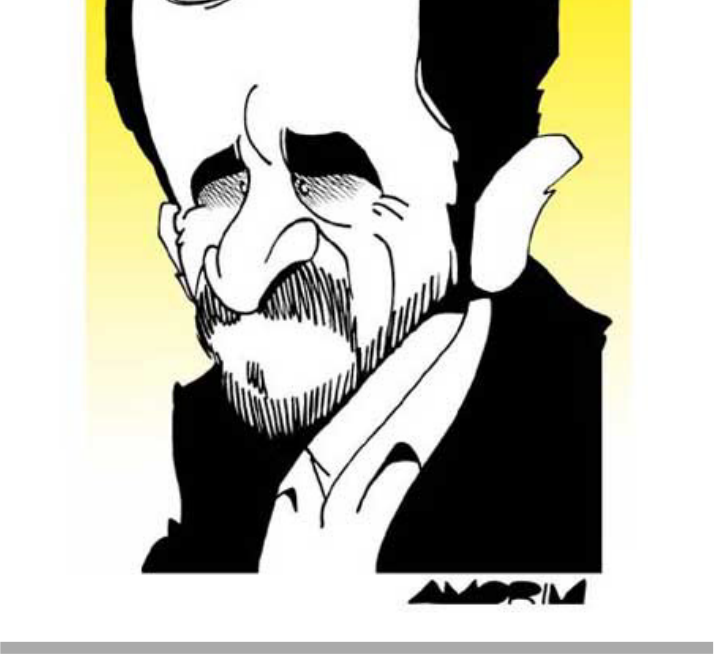
غلامرضا جلال

ب عبد است در ذهن بسیاری از آشنایان با مسائل ایران دیگر سؤالی باقی مانده باشد که این مردک(احمدی‌نژاد) کیست؟ برای همه روشن است که واقعاً این فرد بی‌شخصیت - به معنی بی‌هویتی اجتماعی - شخصی که نیروهای لومپن در هر جامعه‌یی به آن دچارند-نماینده هیچ قشری از مردم ایران نیست. ولی آیا نماینده قشری از مزدوران سرسپرده رژیم هم نیست؟

هم گندگاو چاله‌دهانیاها و شیوه کلام لومپنی‌اش و هم کردار و نشست و برخاستش، اگر چه روشن می‌کند که او به‌یک شخصیت سیاسی معمولی شباهت ندارد. چه رسد به رئیس‌جمهور!! ولی این سؤال را بازز می‌کند که بالاخره او کیست؟ به تازگی شنیدم که لوموند یا شاید هم فیگارو! او را با هیتلر مقایسه کرده‌اند. بعضیها او را نماینده سخت‌سرترین جناح حکومت می‌دانند. برخی هم با ساده‌اندیشی او را مرسک‌یی می‌دانند و موضعگیریهایش را به‌حساب پرت و پلاگویی یک فرد ناشی در امور سیاسی می‌گذارند.

اما من به‌عنوان یک زندانی سیاسی رژیم خمینی و کسی که از سال ۵۹ به مدت شش سال در زندانهای اوین، گوهردشت و قزلحصار بودم درک عینی مشخصی از رئیس‌جمهور برگزیده ولی‌فقیه داشتم. شخصیت بسیار سرسپرده و جانی او نیست. او را بازز می‌کند که از دور پیداست و می‌فهمیم این است که رژیم حسابهایش را کرده و

پاسدار محمود احمدی‌نژاد


^[1] پانویس (۱) به‌کسانی که قبل از ۳۰خرداد سال ۶۰ توسط مزدوران رژیم دستگیر شده بودند اطلاق می‌شد

^[2] پانویس (۱) به‌کسانی که قبل از ۳۰خرداد سال ۶۰ توسط مزدوران رژیم دستگیر شده بودند اطلاق می‌شد

نگرشی بر پروژه امنیت‌سازی در رژیم

دکتر منشور وارسته

در نظام‌های خود کامة، حفظ قدرت به مثابه هدف اصلی سیاست مطرح است. لذا بسط و تحکیم آن نیز، استراتژی بازیگران را تشکیل می‌دهد. با این توصیف منبع قدرت، به «مرجع امنیت» تبدیل شده و نقش محور اصلی در چارچوب حاکمیت را با عنایت به چارچوب نظریه فوق، مشخص می‌شود است. تلاش دارد تا همواره مساعی گروه یا قشر مربوطه را نیز در نظر داشته باشد.

در چنین ارزیابی است که همواره میان مرجع قدرت و ابواب جمعی آن روابط ارگانیک و متقابل در جریان است. با هدف حفظ کیان نظام یا بهتر است گفته شود کانون مرکزی قدرت حاکمیت. مهمترین جنبهٔ این روابط ارگانیک و متقابل در دو مکرراتیک مراجع امنیت عبارتند از افراد یا آحاد شهروندان، ملت و تأمین چارچوبی که حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه در آن بارور شود و تکامل یابد. طبیعی است که در چنین حکومت‌هایی تهدید امنیت نیز بیرون از مرزها بوده و غالباً وارداتی است. با برقراری رژیم خمینی، معضل جدیدی وارد معادلات امنیتی منطقه و جهان شد که دمو کراسیها را به چالش طلیلد. زیر شعار اسلام، فاتیسم مذهبی خود را بسیج کرده و با اتکا به باورهای دینی توده‌های مسلمان، وارد منازعات بین‌المللی گردید. مکاتسم اجرایی این پدیده نیز عبارت است از شانتاژ دولتهای غربی، سرکوب نهادهای دموکراتیک در داخل کشور و ترویج

هدف از نوشتار حاضر، درک و شناخت مبانی

امنیتی رژیم و بازاندیشی در خصوص اولویتهای مقابله با تهدید در پارادیم قدرت در نظام ولایت فقیه است.

از آغاز تأسیس نظام الیگارشئ مذهبی استبداد ولایت فقیه در ایران، مسأله امنیت و ثبات رژیم، مهمترین دغدغه آن بوده است. معمولاً در نظام‌های دمو کراتیک مراجع امنیت عبارتند از افراد یا آحاد شهروندان، ملت و تأمین چارچوبی که حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه در آن بارور شود و تکامل یابد. طبیعی است که در چنین حکومت‌هایی تهدید امنیت نیز بیرون از مرزها بوده و غالباً وارداتی است. با برقراری رژیم خمینی، معضل جدیدی وارد معادلات امنیتی منطقه و جهان شد که دمو کراسیها را به چالش طلیلد. زیر شعار اسلام، فاتیسم مذهبی خود را بسیج کرده و با اتکا به باورهای دینی توده‌های مسلمان، وارد منازعات بین‌المللی گردید. مکاتسم اجرایی این پدیده نیز عبارت است از شانتاژ دولتهای غربی، سرکوب نهادهای دموکراتیک در داخل کشور و ترویج

تروریسم بیرون از مرزهای کشور.

با چنین خصصهیی، حفظ و بقا و امنیت رژیم در الویت حیات سیاسی خودش از جایگاه ویژهیی برخوردار می‌شود و برخلاف نظام‌های دمو کراتیک امنیت موقله‌ایست منتظم بر حیات حاکمیت و نه تأمین حیات یک ملت و جنبه درون‌مرزی دارد. با کمی تأمل در افکار و آرای خمینی، مبانی امنیت و مؤلفه‌های منتج از آن در مفهوم «دکترین امنیتی» را می‌توان در دولت احمدی‌نژاد ترسیم نمود. زیرا که احمدی‌نژاد محصول اندیشه خمینی بوده و با اقتدا به فردی چون مصباح خمینی، عنصری برآمده از ذات ولایت مطلقه فقیه است.

از دید چنین فردی، تأمین منافع و مصالح امت(حزب‌الله) بر مصالح ملت و تعیین وظایف و مسئولیتهای فراملی برای دولتهای مسلمان (که در واقع نقطه ثقل اندیشه خمینی را تشکیل می‌داد) ترجیح دارد.

شاخصهای فراملی‌نگری و امت‌محوری در آرا و افکار خمینی به اختصار عبارتند از نفی آموزه ناسیونالیسم و نفی ملی‌گرایی که مخالف اسلام‌گرایی است(صحیفه نور جلد۱۲ صفحه۲۷۴)، ابزار تبلیغات استعماری است(صحیفه نور جلد۴ صفحه۳۲) و آن‌را اساس بدبختی مسلمان (صحیفه نور جلد۱۲ صفحه۲۸۰) معرفی نموده است.

حمایت از جنبشهای اسلامگرا (که اساساً کانون بنیادگرایی و تروریسم است)، زیر شعار دفاع از مستضعفان، جایگاه کانونی در افکار خمینی دارد. خمینی ضرورت حمایت از مستضعفان را به‌عنوان وظیفه دینی در سیاست خارجی دولت اسلامی یادآوری نموده و می‌گوید: «ما به پیروی از اسلام بزرگ از جمع حمایت می‌کنیم واز۴۰۰۰ هزار سازمان در جهان که برای نجات کشور خویش به‌پا خاسته است پشتیبانی می‌کنیم (صحیفه نور صفحه۲۲۸ جلد۱۰)، در راستای همین اعتقاد و پیشنهاد تشکیل

حزب مستضعفین (صحیفه نور جلد۵، صفحه۲۷۸)، و تشکیل و توسعه هسته‌های مقاومت در سرتاسر جهان (صحیفه نور جلد۲۱، صفحه۵۲)، به مثابه

سازمان یافته دههه اخیر.

عبور از هر بحرانی را می‌شود دو نوع تفسیر کرد: ۱- عبور از بحران با پایهای محکم ایدئولوژیک و تشکیل و تبسیاسی که در این گذر واقعیتیهای نوین را هگشما نمودل می‌شوند و ساختار نوینی برای تداوم مبارزه خلق می‌گردد. مقاومت سازمان‌یافته و بازوی پراقدار آن یعنی ارتش آزادی، نمود عینی چنین پایداری را برای گذر از چنین فاز کم‌ریسکی است.

۲- عبور از بحران با خلق بحرانی دیگر که نه تنها راه‌حل نیست، بلکه پایهای ساختار قبلی هم نشانه‌گیری شده و راه را به‌هم‌مضلل و پوسیدگی می‌دهد. جنبه می‌برد. رژیم نامشروع و مرتجع خمینی با بازوان حامیان مماشانگترش نمود عینی چنین گذریست.

تاکتیکهای عملیاتی تحقق استراتژی حاکمیت

جهانی مستضعفین مطرح نموده است. جانشین وی، خامنه‌ای نیز با تعلق خاطر و اعتقاد راسخ به تر فوق است که نقش ولایت‌فقیه و وظایف جهانی آن‌را ترسیم می‌نماید. با چنین شاخصی است که رژیم دو محور تعادل قوای بین‌المللی خود را عرضه می‌کند که شامل صدور بنیادگرایی و دسترسی به سلاح هسته‌یی است. مطابق مفهوم نظریه اختیارات ولایت‌فقیه، بر کلیه مسلمانان جهان تسری می‌یابد و ولی‌فقیه اختیار و مسئولیت هدایت و رهبری، تشکیل و سازماندهی و بسیج و هماهنگی عده و عده مسلمانان جهان به‌منظور عملیاتی ساختن امت واحده اسلام و حتی حکومت واحد جهانی را عهددار می‌شود(۱).

با توجه به جهان‌بینی فوق است که از نظر خامنه‌ای، امنیت این نظام و مقام و موقعیت جایگاه ولی‌فقیه قبل از هر موضوعی بایستی حفظ و حراست گردد.

پروژه امنیت‌سازی

از آن‌جایی‌که معنای امنیت نزد هر بازیگر با جهان‌بینی او در ارتباط است، در دستگاه آخوندی، زیاده‌خواهی، خاستگاه اجتماعی مباحث امنیتی را تشکیل می‌دهد.

«هائبر» آن‌را زیاده‌خواهی و «ترس» تفسیر می‌کند که در متن روابط اجتماعی در رژیم آشکار می‌باشد. پروژه امنیت‌سازی در ساختار حکومتی ملایا مهمترین اولویت تحلیل‌گران ونخبگان نظام محسوب می‌شود. با توجه به این‌که رژیم در مقام دستگاه سیاسی کشور ابزارهای مشروع سلطه و اقتدار را در اختیار دارد، به تدبیر در خصوص امنیت نظام می‌پردازد. تشکیل سپاه پاسداران و فلسفه وجودی آن برای اساس ضرورتهای رژیم و حفاظت از جایگاه ولایت‌فقیه است. بر اساس آسانمانه (۱۵ شهریور ۱۳۸۱) مصوب مجلس، در بند ۲ و ۱۰ (۲) چنین آمده است:

بند۱: مبارزه با عوامل و جریان‌هایی که در صدد خرابکاری، براندازی نظام جمهوری اسلامی با اقدام علیه اقتلاب اسلامی ایران هستند.

بند۲: مبارزه با عواملی که با توسل به‌قوه قهریه در صدد نفی حاکمیت قوانین جمهوری اسلامی ایران هستند.

بند ۱۰: پرورش و آموزش اعضای سپاه طبق تعالیم اسلام مبنی بر رهنمودهای ولایت‌فقیه در زمینه‌های عقیدتی، سیاسی و نظامی.

سپاه و بسیج در واقع ابواب جمعی حفظ رژیم را تشکیل می‌دهند.

امنیت سیاسی که ناظر به ثبات ایدئولوژی و اقتدار ایران در عداد مسائل امنیت به‌شما می‌رود، مقابله با کسری امنیتی سیاسی روبرو می‌شود. هدایت اصلی پروژه امنیت نظام بر عهده نهاد رهبری است (ولی‌فقیه)، زیرا شورای عالی امنیت ملی تحت نظارت ولی‌فقیه است و مصوبات آن بدون تأیید رهبری فاقد اعتبار است.

لذا مفهوم امنیت اساساً به معنای بقای ولایت‌فقیه تعریف و تبیین می‌شود و هرآن‌چه تحت عنوان امنیت ملی، ثبات سیاسی و اقتصادی بیان می‌گردد چیزی جز امکانات بیشتر به‌منظور حفظ خیمه نظام نیست. با توجه به این‌که مسائل اجتماعی مردم ایران در عداد مسائل امنیت به‌شما می‌رود، مقابله با نارضایتی نیز در کادر تهدید امنیت، از وظایف ابواب جمعی ولی‌فقیه محسوب می‌شود. در طرح پروژه امنیت، آن‌چه در ذهن نخبگان رژیم همواره شاخص است، پاسخ به پرسش فوق است که کدامین عوامل، فرآیندها و صورت‌بندیهای اجتماعی موجب افزایش یا کاهش آسیب‌پذیری داخلی و تهدیدات خارجی می‌شود و چگونه می‌توان امنیت نظام را تضمین کرد؟

پدیده احمدی‌نژاد

در بررسی ساختار امنیتی رژیم استبداد دینی در ایران، برخی شاخصهای مطرح شده و رخدادها در بطن نظام، موجب گردید که خامنه‌ای در مقام «پدیدان نظام» نظرش به‌موقعیت رژیم در شرایطی که مؤلفه‌های ذیل می‌باشد:

۱- از آغاز فتنه خاتمی، اگرچه منافع مادی کلان برای رژیم داشت، خاصه آن‌که توانست با برخی دولتهای غربی (اروپا)، قراردادهای کلان نفتی امضا

کند و به درآمدهای رژیم یفزاید، ولی در بطن خود به‌دلیل ماهیت فاسد رژیم، تضادهای عدیده‌یی را نیز موجب گردید. رشد و غلیان نارضایتی عمومی مردم از شرایط سخت معیشتی و اقتصادی در سطح کشور از آن جمله می‌باشد.

لازم به توضیح است که به‌دلیل فساد رژیم موجب عملکرد ضعیف توسعه اقتصادی، افت کارایی، پیدایش کمبوه‌ها و تنگناهای اقتصادی، بالا رفتن هزینه تولید، افزایش تورم، بحران پیکاری، سقوط ارزش ریال، بحران بدهیهای خارجی و تراز پرداختها و گسترش سرطانی در دو واقع نهاده‌ی‌شدن فساد دولتی و رانت‌خواری از عوامل رشد نارضایتی در ارتباط با زندگی مردم محسوب می‌شود. به‌علاوه نبود ثبات سیاسی و اقتصادی، افزایش باند‌های مافیایی، بالابودن ریسک سرمایه‌گذاری، وجود قوانین نامناسب و وجود ناهنجاریهای ساختاری که بدون تغییر بنیادین در ساختار سیاسی و اقتصادی کشور، اصلاح آن میسر نخواهد شد. به‌طور مثال رشد اقتصادی ایران از ۱۱درصد در فاصله سالهای۱۹۸۲ تا ۱۹۷۲میلادی به ۲/۶درصد طی سالهای ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۲ کاهش یافته است. این در حالیست که درآمد نفت طی همین سالها افزایش نجومی داشته است.

۲- با عنایت به ارتقای نارضایتی از یکسو و حضور و اقتدار پایدار مقاومت سازمانیافته مردم ایران (شورای ملی مقاومت و ارتش آزادیبخش ملی) از سوی دیگر، این مقاومت به مثابه آلترناتیو رژیم و بدترین تهدید امنیت رژیم، همواره دغدغه اصلی حکومت محسوب گردیده است. مقابله با آن نیز در رأس عملکرد سپاه و بسیج از جایگاه ویژه‌یی برخوردار می‌یابند. اگرچه رژیم سیاسی و فرب و موفق شد، دولتهای غربی، ازجمله دولت کلینتون را متقاعد سازد تا سیاست غلطی را در قبال مصالح ملی ایران اتخاذ ننماید. ولی با توجه به این که «عدو شوسد سب خیر» و به دلیل ریشه‌داربودن این مقاومت در ضمیر مردم ایران، این دسیسه با شکست مواجه گردید و موقعیت شورای ملی مقاومت و ارتش آزادیبخش ملی در نزد ملت ایران و نخبگان جهان ارتقا یافت و حمایت این مبارزه برای تحقق آزادی و دموکراسی بیشتر محرز گردید.

۳- اگرچه در زمان خاتمی توانست با درآمدهای کلان ناشی از افزایش بهای نفت زیر پوشش «گفتگویی تمدنها» و «شنج‌زدایی» به تقویت بنیه نظامی‌اش پردازد، (هم‌چون قراردادهای کلان و مالیونی با روسیه و چین و کره شمالی، و هم چنین مخفی‌سازی پیشبرد استراتژی دستیابی به سلاح

اتمی) ولی به بین آگاهی و هویشاری مقاومت ایران ناشی از احساس مسئولتی که دارد، تمامی دسیسه‌های شوم آن برملا گردید و این امر رژیم را وارد بحرانی عظیم نمود که هیچ‌گاه از بدو شکل گیری آن با چنین معضل خارجی مواجه نبوده است. چالشی که طی آن برای ملت ایران منافع رزنده‌یی در پی خواهد داشت.

۴- اگرچه در همسایگی خود تهدید دولت صدام حسین را ندانشت ولی با تهدید جدیدی مواجه شد و آن حضور نظامی آمریکا در نوار مرزی کشور بود. ۵- بدین ترتیب ولی‌فقیه احساس نمود که منابع کشور دچار تحلیل شده و در نتیجه آموزشهای ایدئولوژیک و اعتقادی که توجیه‌گر یا موجب ثبات از طریق اطاعت را یا تسلیم بود نیز دستخوش بهم ریختگی شده و تعادل را در درون دگرگون نمود.

با عنایت به چنین شرایطی است که استراتژی امنیتی بازیگران به‌الاجاب در سمت منازعه و تلاش برای دستیابی به منابع قدرت برتر با هدف حساسیت از خود ستویی می‌یابد(۳).

طبعاً در پیدایش چنین وضعیت و موقعیتی، دولت به دلیل در انحصار داشتن زور، متصدی مطابق امنیت و یگانه تهدیدکننده (حزب امتحاطی، سیاسی، اقتصادی مردم) و تهدیدشونده (تضاد خلق و نماینده به حق آن، مقاومت ایران و رژیم) به شمار می‌آید. لذا استخانی که ایران او با توجه به خلأ ناشی از عملکرد خاتمی، در بررسی استراتژی امنیتی به این رهنمود تایل شدند که بایستی دو عامل «ایدئولوژیک ولایت» و «قدرت بازیگر» تفریت شوند که همانا استراتژی امنیتی رژیم‌یک راه‌فرام نمود که محصول آن احمدی‌نژاد می‌باشد.

احمدی‌نژاد که محصول خالص جنس خمینی است

و مراحل وفاداری به ولایت‌فقیه را به‌طور مکتبی و پراتیک طی کرده است، بهترین فرد برای تداوم دکترین امنیتی نظام تلقی می‌شود.

مأموریت احمدی‌نژاد حفظ بقا و موجودیت نظام است که مرکز ثقل مفهوم امنیت در این دوره تعریف می‌شود. در پرتو ولایت‌فقیه، احمدی‌نژاد با تشکیل یک دولت ایدئولوژیک که عناصر اصلی آن‌را سپاه پاسداران تشکیل می‌دهند، برای حفظ سنت ولایت‌فقیه در امواج تحولات داخلی و بین‌المللی وارد کارزار می‌شود.

عوامل تهدید و راه‌های مقابله با آن

در منطق رژیم و دولت ایدئولوژیک احمدی‌نژاد، ساختار و هویت رژیم با چالش جدی تحول‌ات داخلی و بین‌المللی مواجه است. عدم توانایی در تأمین نیازهای اقتصادی و اجتماعی مردم، که موجب کاهش مشروعیت و مقبولیت می‌شود و بالطبع موجب افزایش ضریب امنیتی شده که نقش مقاومت را بیشتر بارز می‌کند. از دید رژیم ساختار امنیت بر فقدان تهدید متمرکز است. در این گفتمان به کارگیری تاکتیهایی به‌منظور خنثی کردن مقاومت و ریشه‌کنی اپوزیسیون اصلی آن به هرقیمت و وسیله از نظر داخلی ودستیابی به سلاح اتمی به‌منظور خنثی کردن تهدید خارجی را در بر می‌گیرد.

فقدان تهدید زمانی معنی پیدا می‌کند که رژیم از توانایی و قدرت بازدارندگی و مقابله به‌مثل برخوردار باشد. بدین ترتیب احمدی‌نژاد با مأموریت سوز سب خیر» و به دلیل ریشه‌داربودن این مقاومت در ضمیر مردم ایران، این دسیسه با شکست مواجه گردید و موقعیت شورای ملی مقاومت و ارتش آزادیبخش ملی در نزد ملت ایران و نخبگان جهان ارتقا یافت و حمایت این مبارزه برای تحقق آزادی و دموکراسی بیشتر محرز گردید.

۳- اگرچه در زمان خاتمی توانست با درآمدهای کلان ناشی از افزایش بهای نفت زیر پوشش «گفتگویی تمدنها» و «شنج‌زدایی» به تقویت بنیه نظامی‌اش پردازد، (هم‌چون قراردادهای کلان و مالیونی با روسیه و چین و کره شمالی، و هم چنین مخفی‌سازی پیشبرد استراتژی دستیابی به سلاح

اتمی) ولی به بین آگاهی و هویشاری مقاومت ایران ناشی از احساس مسئولتی که دارد، تمامی دسیسه‌های شوم آن برملا گردید و این امر رژیم را وارد بحرانی عظیم نمود که هیچ‌گاه از بدو شکل گیری آن با چنین معضل خارجی مواجه نبوده است. چالشی که طی آن برای ملت ایران منافع رزنده‌یی در پی خواهد داشت.

۴- اگرچه در همسایگی خود تهدید دولت صدام حسین را ندانشت ولی با تهدید جدیدی مواجه شد و آن حضور نظامی آمریکا در نوار مرزی کشور بود. ۵- بدین ترتیب ولی‌فقیه احساس نمود که منابع کشور دچار تحلیل شده و در نتیجه آموزشهای ایدئولوژیک و اعتقادی که توجیه‌گر یا موجب ثبات از طریق اطاعت را یا تسلیم بود نیز دستخوش بهم ریختگی شده و تعادل را در درون دگرگون نمود.

با عنایت به چنین شرایطی است که استراتژی امنیتی بازیگران به‌الاجاب در سمت منازعه و تلاش برای دستیابی به منابع قدرت برتر با هدف حساسیت از خود ستویی می‌یابد(۳).

طبعاً در پیدایش چنین وضعیت و موقعیتی، دولت به دلیل در انحصار داشتن زور، متصدی مطابق امنیت و یگانه تهدیدکننده (حزب امتحاطی، سیاسی، اقتصادی مردم) و تهدیدشونده (تضاد خلق و نماینده به حق آن، مقاومت ایران و رژیم) به شمار می‌آید. لذا استخانی که ایران او با توجه به خلأ ناشی از عملکرد خاتمی، در بررسی استراتژی امنیتی به این رهنمود تایل شدند که بایستی دو عامل «ایدئولوژیک ولایت» و «قدرت بازیگر» تفریت شوند که همانا استراتژی امنیتی رژیم‌یک راه‌فرام نمود که محصول آن احمدی‌نژاد می‌باشد.

احمدی‌نژاد که محصول خالص جنس خمینی است

محور خارجی

با توجه به جهانیتی رژیم که مدعی است در جهان اسلام بیکاه مسلمین بوده و نقطه ثقل ممالک اسلامی (ام‌القره) به حساب می‌آید وبا توجه به این که تقویت بنیه نظامی، یکی از اجزای اصلی قدرت و امنیت می‌باشد، به لحاظ استراتژیک حیاتی است که رژیم خود را مجهز به سلاحهای کشتار جمعی کند.
نماید.

به بیان دیگر قدرت نظامی وسیله ایست جهت شانتاژ و تأثیر گذاری در این منطقه از جهان. درواقع تنها برگ قدرتمنایی در مقابل دولتهای غربی محسوب شده و در تثبیت هژمونی خود در منطقه خلیج فارس نقش اصلی را داراست. قابل ذکر است که «امنیت ملی» در نگرش سنتی نظام به ابعاد نظامی و دفاعی است که مسأله امنیت را نیز به حوزه سیاست خارجی مربوط می‌کند.

پروژه هسته‌یی و سلاح‌های کشتار جمعی

پروژه سلاح هسته‌یی و راه‌های دستیابی به آن از دید خامنه‌ای و شرکا به لحاظ استراتژیک این خواص را دارد که:

الف: در ایادی خود (سپاه و بسیج) در داخل کشور و عناصر بیرون از مرز (حزب‌الله و جریانات بنیادگرا)، اعتماد به نفس ایجاد می‌کند. به عنوان سبیل انقلاب اسلامی تلقی شده و آن را ثمره موفقیتهای رژیم ارزیابی می‌کنند.

ب - پانگر آن است که در رژیم ولایت‌فقیه، تکنولوژی تا چه حد پیشرفت کرده و تا کجا در خدمت هدفهای ایدئولوژیک مصرف می‌شود.

ج - می‌تواند خلا ناشی از عدم دسترسی رژیم به سلاحهای مدرن را پر کند.

د: وسیله‌ایست جهت اعمال زور و شانتاژ در منطقه یا توجه به موقعیت کشورهای حوزه خلیج فارس و آسیای میانه.

ه - می‌تواند صدايش را در معادلات جهانی رساتر کرده خاصه در رابطه با آمریکا و اسرائیل.

و: پشتوانه‌یی است برای صدور تروریسم و بنیادگرایی در منطقه.

ز: بالاخره بعد از تجربه عراق، وسیله‌یی است در خدمت ثبات امنیتی رژیم و نقش بازدارنده داشته در قبال فشار کشورهای دموکراتیک در جهان جهت محرم شمردن حقوق بشر در ایران و حمایت و به‌رسمیت شناختن مقاومت مشروع مردم ایران.

در یک کلام پروژه سلاح هسته‌یی رژیم عاملی جهت دست‌یابی و پایه ثبات آن ارزیابی می‌شود. با چنین شاخصی، افزایش نیات رژیم در دستیابی به سلاح اتمی توسط شورای ملی مقاومت، خدمتی بود به حیات ملی و مردمی ایران و صلح و ثبات در این منطقه حساس در جهان. بنا بر همین ریهافت است که رژیم تمام مساعی خود را در ضربه‌زدن به موقعیت شورای ملی مقاومت به‌کار می‌گیرد.

ایران به‌دلیل منابع عظیم انرژی غیر ضروریست که به‌خواهد به انرژی هسته‌یی روی آورد، به باور صاحب این قلم، رژیمی که ۸۰درصد مردم ایران را زیر خط فقر نگه داشته است. با نیات جاه‌طلباناش در این منطقه حساس در جهان، بنا بر همین فرینده منافعی ملی یا غرور ملی و مقایسه خود با دوران مبارزات ضداستعماری زنده‌یاد دکتر مصدق در ملی‌کردن صنعت نفت، به‌منظور فرب بردوها، اهداف شومی را در سر دارد که در واقع در راستای حفظ کیان قدرت آن می‌باشد.

احمدی‌نژاد اظهار می‌دارد که:«حق ملی برخورداری از انرژی هسته‌یی کمتر از حق ملی‌شدن صنعت نفت نیست»(۵).

یعنی برانگیختن احساسات ملی مردم ایران با هدف تلاش جهت ضربه‌زدن به موقعیت ممتاز شورای ملی مقاومت در سطح جهان و موقعیت برجسته خاتم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران برای دوران انتقال قدرت به مردم ایران می‌باشد.

ج - به دلیل حضور ارتش آزادیبخش مستقر در شهر اشرف در عراق به کارگیری عوامل و مددوران خود در خاک عراق به‌منظور ضربه‌زدن و تلاش ارتش آزادیبخش ملی ایران که در این راستا نیز همواره به دلیل هویشاری ملت آگاه عراق از ماهیت رژیم با شکست مواجه شده است.

محور داخلی

با توجه به جهانیتی رژیم که مدعی است در جهان اسلام بیکاه مسلمین بوده و نقطه ثقل ممالک اسلامی (ام‌القره) به حساب می‌آید وبا توجه به این که تقویت بنیه نظامی، یکی از اجزای اصلی قدرت و امنیت می‌باشد، به لحاظ استراتژیک حیاتی است که رژیم خود را مجهز به سلاحهای کشتار جمعی کند.
نماید.

اما قابل توجه است که پاشنه آشیل رژیم ایران نه این اجماع بلکه خروج از لیست و شناسایی مقاومت و پذیرش راه‌حل سوم است. خلا را دراهل سوم در اکثریت موضع‌گیریها ملموس است و جا دارد که اشارات غیرمستقیم و تلویحی جای خود را به‌شناسایی رسمی مقاومت مشروع و مردمی ایران بدهد.

در ۲۹مهرماه اسال رابرت هاتر، سفیر پیشین آمریکا در پیمان آتلانتیک شمالی ناتو، وضیعت را احساس و بحرانی ارزیابی کرده و می‌گوید: «آکنون آن‌گاه بیش از هر چیز نگران می‌کند این است که ایران و غرب به‌خصوص آمریکا در مسیری حرکت می‌کنند که گام به‌گام به‌جنگ نزدیکتری می‌شوند. بنابراین باید فکر شود…»

نگرشی بر پروژه امنیت‌سازی در رژیم

نظر گرفته و امیدوار است که در این راستا نیز مردم ایران را بسیج کند.

نتیجه‌گیری:

در ورای تمام مانورها و تاکتیکهای رژیم خامنه‌ای برای حفظ قدرت و اقتدار امنیتی خود، نهایتاً توانایی عبور از موانع و به‌بستی که ناشی از تلاشهای مقاومت ایران است، را نداشته و آثار آن نیز به‌خوبی فقط به کادر عملکرد دولت احمدی‌نژاد نمایان است. نه حاکم بر جامعه و اصول منطق بر شرایط بین‌المللی

است که چنین برداشتی را ممکن می‌سازد. لذا:

۱ - یکی از تعیین‌کننده‌ترین عوامل مؤثر بر محتوای سیاست‌گذاریها همانا شناخت منافع و دیدگاههای بازیگران مخاطب است. با توجه به خصلت حاکمیت ملایا، استراتژی صاحبان قدرت و منافع آنها در پیشبرد اهدافشان اساسا مبتنی است بر نظرات ایدئولوژیک خمینی و شخص خامنه‌ای مکمل نظرات ولی‌فقیه بوده و نقش دیدبان رژیم را ایفا می‌کند. لذا احمدی‌نژاد وسیله‌یی است جهت پیشبرد نیات خامنه‌ای.

۲ - تا آن‌جا که به حفظ امنیت در چارچوب نظام ولایت‌فقیه بر می‌گردد، از هرگونه شانتاژ، دسیسه علیه مقاومت ایران در کشورهای غربی و همسایگی آن عراق، فروگذار نخواهد کرد. لذا بایستی انتظار تحركات تروریستی رژیم در بیرون از مرزها را داشت.

۳ - به‌دلیل ماهیت دولت ایدئولوژیک احمدی‌نژاد، در کادر امنیت داخلی تشدید سرکوب نسل جوان و زنان و کارگران آزاده در داخل کشور افزوده خواهد شد.

۴ - به‌دلیل تشدید فزاینده نگرانیهای درونی نظام و عدم اعتماد بنفس در طیف نخبگان رژیم، استراتژی مقابله با دولتهای غربی در خصوص پروژه هسته‌یی رژیم، به فاز تعیین تکلیف خود خواهد رسید. ۵ - زاویه بحث موقعی اهمیت پیدا می‌کند که دربرایم که تلاش خامنه‌ای و دستیارانش در دستیابی به تکنولوژی هسته‌یی نه از منظر قدرتمندی و ثبات داخلی رژیم، بلکه ناشی از وحشتی است که از بهم‌خوردن تعادل درونی خود حس می‌کند. در واقع تمامی تلاش رژیم در دستیابی به سلاح هسته‌یی، در جهت تقویت پارادیم امنیتی در چارچوب مناسبات داخلی و بین‌المللی است و لذا نگرانی دولتهای پیشرفته جهان برایش ارزشی نداشته و آن جهت امنیت دارد. استراتژی پروژه امنیت‌سازی رژیم می‌باشد. پس رژیم در موقعیت ضعیفی قرار گرفته و قابلیت ضربه‌پذیری آن بالاست.

۶ - به‌دلیل اجماع جهانی در خصوص تهدید صلح و امنیت جهان توسط رژیم دیکتاتوری آخوندی، شرایط و زمان به‌نفع رژیم نبوده و دوران تعیین تکلیف با آن در چشم‌انداز می‌باشد. راهی جز سرنگینی برای این نظام متصور نیست. ۷ - بحرانی که اکنون گریبانگیر رژیم شده است، از چنان ابعادی برخوردار است که به تعیین سلاهای رژیم راه خواهد برد. این نتیجه تلاشهای سلاهای زیاد و درد و رنج مقاومت خونباری است که طی ۲۵سال گذشته همواره در جهت مصالح و منافع ملت ایران از هیچ‌گونه فداکاری و کوششی در جهت افشای اهداف و نیات به‌غایت ضدملی رژیم استفاده مذهبی کوتاهی نکرده و به‌جد شایان تقدیر می‌باشد.

۸ - سرنوشت این رژیم هم‌چون تمام نظام‌های استبدادی محکوم به فنا بوده و خورشید آزادی در آسمان ابر گرفته ایران می‌رود که به‌زودی تابش خود را که مبشر رحمت و رهایی است بگستراند.

پانویس

۱. علی کریمی «تأملی معرفت شناسانه در رساله منتهی ملی از نگاه امام خمینی» فصلنامه مطالعات راهبری، صفحه۷۰۷، زمستان۱۳۸۳

۲. مجموعه قوانین اولین دوره مجلس شورای اسلامی صفحه۲۵۴

۳. برای مطالعه در این باب رجوع کنید به Buzan, Barry et al (editis), ‘The logic of Anarchy’, NewYork, Columbia University Press ۱۹۹۳

۴. رادیو بی.بی.سی کانال ۴ ۳۱.۴ژانویه ۲۰۰۶

۵. بی.بی.سی، ۵فقریه۲۰۰۶

کاریکاتور از توفیق



جداً از این اظهارات دهها نمونه دیگر نیز وجود دارند که حقانیت و درستی راه‌حل سوم راه اثبات می‌رسانند. یونانی‌دپرس اینترنشنال ۱۸مهرماه۸۴ گفت: «یک دیپلومات که به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نزدیک است گفت محققاً اطلاعات این سازمان‌هامدین خلق) سه سال پیش درباره تأسیسات غنی‌سازی هسته‌یی ایران در نظتر به خال خورده.

آری ریحارد پرل مشاور سابق وزارت دفاع آمریکا در آگاهی‌بخش است و افکار عمومی جهان به‌طورعام و مردم ایران به‌طورخاص به سرعت از پیدا شدن تیر همدفار «به‌خال خوردن» آن به وجد می‌آیند و بحران جاری به سمت کاهش پیش می‌رود وفضای صلح و آرامش و آسایش ملی برای وطن زیبایمان ایران حاکم می‌گردد.

بازگشت از تپه‌های سرخ‌اوین

غلامرضا جلال

صدای برخورد دسته‌کلید نگهبان دلم را پر آشوب کرد. از درد شکنجه‌های پریش هنوز حال نکان‌خوردن نداشت. از زیر پتو نگاهم به پاسدار حمید ترکه‌(۱) و تعدادی پاسدار جدید افتاد که چشمپاشیان مثل آدمیزاد نبود.به‌صورت تک‌تک بچه‌ها نگاه می‌کردند و به‌دنبال طعمه می‌گشتند. خودم را جمع‌وجور کردم تا تک نیتم. نمی‌خواستم این‌دفعه هم مرا صدا کنند. به بچه‌ها نگاه کردم، با این‌که دوست داشتم جای تک نکشان فذا بشود ولی باز این حس لغتی متناقض می‌کرد. به‌ذهنم رسیده بود که هر‌یک‌ک جمع بشوم تا مرا نرنند. حس ضدانقلابی که بعدها فهمیدم اگر می‌خواهم انقلابی باقی بمانم باید همیشه با آن بجنگم.

با کشیدهٔ پاسدار مجید قدوسی به خودم آمدم. همه نگاهها به ما بود و باز هم در کنار ابراهیم درختی(۲) از نگاه حمید ترکه یک لحظه ترسیدم و خشکم زد. اسمم را پرسید ولی زبانم مثل چوب خشک توی دهانم نکان خورد و صدای خس خسی از دهانم خارج شد. احساس کردم مجید قدوسی و حمید ترکه از ضعفم لذت می‌برند.

صدای ابراهیم را شنیدم که گفت: جلال ما باز هم با هم هستیم! به‌خودم آمدم و با دردی که داشتم به‌طرف درب سلول رفتم. صدای یکی از پاسدارها را شنیدم که گفت: احمدوند، این دوتا را تحویل بگیر! از بدقیما هستند. حیف است از تاریخ عقب بماند. بگذارشان توی قطار نکالم!

تاس دستم را روی شانه‌های نفر جلویی گذاشتم،

ناله‌یی کرد و دستم خیس شد. جای سالمی نداشت که دستم را به‌آن قسمت بدنش بگیرم. پایین باروشی را گرفتم و قطار حرکت کرد.

از پله‌ها پایین رفتم و به حیاط بند۳۲۵ رسیدیم. در پاگرد حیاط تعداد دیگری هم بودند که به‌صورت گروه‌های ۳تفره نشسته بودند. ذهنم روی عدد ۳۰ متوقف شد. چرا ۳۰تایی؟ چیزی مثل برق از ذهنم گذشت. صدای تک‌تیرهای خلاص همیشه حول عدد ۳۰ بود یا یکی دوتا بیشتر. پس ما را هم برای اعدام می‌برند؟!

در آن لحظات قبل از اعدام. انگار توی این دنیا نبودم. تمام خاطرات گذشته حتی لحظاتی که دیگر از خاطرم محو شده بودند با سرعت ولی با وضوح کامل به ذهنم هجوم آورده بودند و مثل فیلمی که روی سرعت تند گذاشته باشی عبور می‌کردند. می‌توانستی روی هر کدام لحظه‌یی توقف کنی. انگار که فیلم را متوقف کرده باشی. هر خاطره‌یی اثرات خودش را داشت. یاد شلوغ کاریها و بازیهای کودکی با حشمت و باقر و علی و منیر، هوای پاک کوه و ساعت فصیح حرکت از ایستگاه جمنازاده به‌طرف نوجال. پناهگاه نوجال و لذت رسیدن به قله و دیدن تهران در زیر ابر و دود. بوی طغر یاس کوه‌چاهی چنذر و شیران، رودخانهٔ حسن‌آباد که قلعه‌ک که همیشه پر از زباله بود، درخت چنار امامزاده صالح، با دوچرخه‌رفتن به زیارت شاه عبدالعظیم و آبینی در چشمه علی،دیررسیدن به خانه و کین‌خوردنها، یواشکی زدن به باغهای ونک و سد لثیان، درشک‌سواربهای دزدکی، پیدارماندنها‌یی شبانه به بهانهٔ درس‌خواندن قبل از امتحان زیر تیر چراغ برق و گل یا پوچ بازی، موتورسواری در پیست گیتا، باشگاه ابوسلم و مربیان آقا محمدی، خاطرات اردوی نیاوران و چالوس، پیروزی و شکستها در مسابقات کشتی، حسینهٔ ارشاد و اولین جرقه‌های شعور سیاسی، نظارتی قبطیره، حکومت‌نظامی ۱۷شهریور، در گریه‌های پادگان عشرت‌آباد و ساواک مه‌ران، اولین تفنگ و اولین شلیک، در گریه‌های جام‌جهن مثل هایت تاج، تسخیر زندان اوین، درب آبی رنگ آهنی و خیابان مارپیچ اوین، سولوی که می‌گفتند پدر طالقانی در آن بوده، سلول‌های پایین بند ۴ که می‌گفتند مسعود و موسی آن‌جا بودند، پیروزی انقلاب، شادی و جشن

کشتارگاه ملاها

مصاحبه فرانت پیچ با یوسف اکرمی، فیلمساز

توضیح مترجم:

«چند نمای ساده» روایت رنج طاقت‌فرسای زندانیان سیاسی است که وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها را در سال‌های زندان تحمل کرده‌اند و اکنون شاه‌دان بخشی از تاریخ مبارزات قهرمانانه فرزندان پاک نهاد ایران زمین‌اند. فیلم مستند «چند نمای ساده»، ساخته دوست عزیزم یوسف اکرمی چندی پیش در واشینگتن به نمایش درآمد. مصاحبه‌یی که می‌خوانید نظرات آقای اکرمی کارگردان این فیلم تکان‌دهنده است. دیدن «چند نمای ساده» کار ساده‌یی نیست. روایت هنرمندانه شلاقی‌هایی است که از پوست می‌شکند. در رابطه با آیین فیلم مستند بیشتر خواهیم نوشت.

● **آقای یوسف اکرمی مهمان امروز فرانت پیچ هستند. وی یک فیلمساز مستقل است که فیلم مستند «چندنمای ساده» که موضوعش نقض و سرکوب حقوق بشر ایرانیان است را کارگردانی نموده است.**

آقای یوسف اکرمی به مصاحبه با ما خوش آمدید

یوسف اکرمی: از فرصتی که به من دادید تشکرکم.

● **الهام‌بخش شما برای کارگردانی این فیلم چه بود؟**

آن‌چه مرا به ساختن این فیلم تشویق نمود از این

زود گذر مردم، بستان روزنامه‌ها، حرام‌شدن شطرنج،

حلال‌شدن ماهی اوزون پرون، اولین سرکوب زنان به اسم بی‌حجابی، احمدآباد و دیدن اولین سخنرانی مسعود، اولین نگاه چشم در چشم مسعود و عاشق‌شدن، وقتی که از درخت خشک وسط حیاط خانهٔ دکتر مصدق بالا رفته بودم و درست در مقابل بالکن به صحنه‌های مسعود گوش می‌کردم، دیدن سردرگمیهای سیاسی و اولین احساس خیانت به انقلاب توسط ارتجاع و خمینی، حفاظت از هجوم فالانژها و خوابیدن در پیاده‌رو بینادعلوی، اولین ارتباط با یک عضو سازمان(مجید فرزانه‌سا) اولین فروش نشربه، اولین کتک‌خوردن به‌دلیل فروش نشربه، اولین زندگی جمعی در روستای عباس‌آباد زنجان، عید سازندگی مجاهدین، دیدن شهید سعید منبری و اولین کلاسهای آموزشی در ساختمان جنبش معلمین، اولین ابلاغ مسئولیت در مدارس جنوب تهران، دستگیری سعادت‌ی و تظاهرات جلو دادگستری، رژهٔ میلیشیا و دیدن موسی، ممنوعیت انتشار نشربه، اولین بساطهای خیابانی، انتخابات ریاست جمهوری و اولین دجالگری علنی خمینی، تظاهرات برای آزادی سعادت‌ی و رفتن جلو زندان اوین، دیدن دوباره درب آبی رنگ آهنی که هیچ تغییری نکرده بود. همان رنگ، همان کیوسک توی دیوار که مثل گیشهٔ فروش بلیت سینما بود ولی یک آدم ریشو داخلش نشسته بود. برج نگهبانی هم هیچ فرقی نکرده بود. درب بزرگ آبی رنگ بازشد و یک استیشن پر از پاسدار ریشو وارد اوین شد. خیابان مارپیچ هم مثل اول بود. ساختمان بهداشتی ۳۲۵ با آجرهای قرمز بهمنی از پشت درختهای دفترم کری دیده می‌شد.

دست ۲ سال بعد، دوباره همان‌جا اما در صف اعدام. این‌همه دختر و پسر جوان و نوجوان. ما ۱۲ گروه ۳۰تفره بودیم. ۳۲۰ جوان که هر یک در محلهٔ خود سبیل خوبی و صفا و مؤدب‌بودن و سربه‌زیبودن و...

ضربه شدیدی را توی صورتم احساس کردم. یک صدای حیوانی بالحن لومپنی گفت: مژا‌یک از بگیر. حواس‌ت کجاست؟ اگر این شماره را روی میج پایت ننویسی نه‌ات از کجا بفهمد قبرت کجاست؟ شمارهٔ ۱۱۴

صدای ابراهیم را شنیدم که می‌گفت: شماره را قشنگ و واضح بنویس. این پلاک خانه ما در بهشت است.

صدای زیر دختر جوانی گفت یعنی یک‌ساعت دیگر ما هم جزو قافله امام حسین می‌شویم؟

صدای دیگری آهسته گفت: باورم نمی‌شود! چند دقیقه دیگر ما هم جزو شهیدان مجاهد خلق می‌شویم و می‌رویم نزد بنیانگذاران سازمان. خیلی دلم می‌خواهد مثل قهرمانان زمان شاه بگویم که می‌خواهم برق اعدام چشمهایم باز باشد!

باز همان صدای گوش‌خراش گفت: هر کسی می‌تواند یکی از این کاغذهای کوچک را بگیرد و آخرین وصیت‌هایش را بنویسد. فقط اسم و فامیل، یک سلام و یک علیک!؛ بیشتر از این بنویسید این لطف امام هم ازتون گرفته می‌شه. شماها که کوچک‌یک و مال و اموالی هم که ندارید. فقط شما ۳ نفر که بزرگتر هستید، اگر خواستید می‌توانید اموالتان را وصیت کنید.

صدای گریه و شکایت اعصاب‌خردکن دو نفر دامن حواسم را پرت می‌کرد. یکی‌شان مرتب داد می‌زد و با شنیدن هر صدای پایی چهار دست و پا به‌طرفش می‌رفت و التماس می‌کرد که: به خدا من کاره‌یی نبودم. جان بچوات فقط گوش کن. من برای خرید به خیابان رفته بودم. زن دارم، یک دختر کوچک دارم. آخر او چه گناهی کرده که باید بنیم بشود؟ آنها دو روزه منتظرمن هستند. شما را به خدا باور کنید. آ‌ی ... خدا ...

بالاخره صدای یک پاسدار جواب داد: زیاد غصه نگذار! اگر منافق بودی که خب می‌روی به جهنم. آگه هم نبودی که می‌روی بهشت. این که این‌قدر ناراحتی نداردا!

از حالشن معلوم بود یک آدم عادی بوده که

در تور پاسدارها گیرافتاده و در این وانفسای جنایت جمعی او هم باید با ما برای اعدام می‌رفت.

داشتم فکر می‌کردم که تیرخوردن چه حالتی است، چقدر درد دارد؟ بعد چه می‌شود؟ چه جوری روح از بدن خارج می‌شود؟ ولی بیشتر از ۲۰۰تا کابل‌خوردن که نیست. مقداری لرزش و احساس سرما داشتم. آیا می‌ترسیدم؟ شاید، جوابش را نداشتم ولی یک چیز برام روشن بود. ایمان داشتم که راه حق و راه خدا، راه مسعود است و بس! پس چه جای ضعف و ترس؟ جلو پاسدارها نباید ضعف نشان بدهم.

بچه‌های گروه بعدی را که می‌بردند، اول صدای صلوات بلند شد و بعد تبدیل به شهادتین شد: اشهد ان لا اله الا الله، واشهد ان محمداً رسول الله... ناگهان فضای بچه‌ها عوض شد. حتی حال و هوای ما هم عوض شد. از حالت دفاعی درخود بیرون آمده بودیم و احساس شادی و تهاجم شور جدیدی در ما ایجاد کرده بود. پاسدارها هم شروع به زدن بچه‌ها کردند. با بیرحمی تمام و به‌قصد کشت.

صدایی آهسته گفت: جلال؟!

طوری که پاسدارها نفهمند. به‌طرف صدا برگشتم. حمید بود، حمید دندان! خون توی سرم دوید. نمی‌دانم چرا از اول هم نسبت به حمید احساس عجیبی داشتم. از اواخر سال ۵۸ مسئولش بودم. شاید به‌خاطر صحنه‌های مادرش و قولی که به او‌اده بودم. همان‌روزی که مادرش مرا به‌خانه دعوت کرد و گفت،حمید تنها پسرش است و او را چقدر دوست دارد. برایم توضیح داد که با کارهای سیاسی پسرش مخالف نیست ولی او را به من می‌سپارد، و از من خواست از او مواظبت کنم.

بعد از آن من در سال ۵۸ دستگیر شده بودم و حالا باید او را در صف اعدام می‌دیدم. حمید ۱۵سالش بود. احساس بیشتری از احساس برادر بزرگتر نسبت به او داشتم. انگار حمید از وجود خودم به رفتار و اخلاقش طلی یکسال کار با او فکر می‌کردم، هربار و هرا کارش داشتم،قبل از خودم حاضر بود و بعضی وقتها هم، کار قبل از رسیدنم انجام شده بود. از متانت و آرامشش درمقابل سختی‌هاخودم آموزش می‌گرفتم و حالا او این‌جا هم آرام و متین ایستاده بود. چشمان نجیب و سبزش را با چشمنده بنسته بودند. هوای نرم و خرمایی‌اش خونی و پاهایش پانسمان شده بود. طاقت نیاوردم و دستش را گرفتم و بغلش کرده و بوسیدم. بوی عطر می‌داد. پرسید: جلال! اعدام چه جوریه؟ گفتم: راستش منم اولین بار است که دارم اعدام می‌شوم!

خندید و گفت: گفتم تو‌که در هر کاری یک

چیزهایی می‌دانی، شاید از اعدام هم چیزهایی بدانی. با هم زودیم. زیر خنده! چقدر خنده‌اش دوست‌داشتنی بود.

حمید دوباره گفت: چقدر خوب شد همراه مسئول اعدام می‌شوم. اگر قطار راه افتاد، سعی کن مرا گم نکنی تا کنار هم بایستیم.

صدای و گبار اعدام گروه قبلی شنیده شد و تک‌تیرهای بعد از آن. این گروه یازدهم بود یعنی تا به حال ۲۲ نفر!

با شنیدن صدای پای پاسدارهایی که نزدیک می‌شدند، دوباره دچار دلشوره شدم. نوبت ما بود. شروع به‌خواندن دعا کردم و از خدا می‌خواستم کمکم کند تا ثابت قدم باشم. یاد شهیدان و خاطره

روزی که اولین بار در ستاد انزلی مسعود را دیدم و او پیمان بستم به من قوت‌قلب می‌داد. پاسداری داد زد: بالا بلند شوید. قطار بعدی! خاتنها و آقاییان، سفر خوش. همه بلند شده و دست هم را گرفتیم. ابراهیم در درختی دیگر در کنارم نبود. هر کاری کردم که باز ببینش نند. بی‌اختیار دست حمید را گرفتم و گفتم مرا‌ول نکن. قطار شروع به‌حرکت کرد. بچه‌ها شروع کردند به خواندن: نزول الجبال ولا نزلا! نزول الجبال ولا تزل. عضو علی ناجدک ... کوه‌ها بجنبند تو از جایت نکان نخور. دندانهایت را به‌هم فشار، سرت را به‌خدا بسپار، پاهایت را چون میخ بر زمین بکوب، چشمانت را به دورترین نقطه سپاه دشمن ببنداز ... از کنار زئرتاورهای بزرگ‌ک اوین گذشتیم. دیوار

بلند آجری ساختمان ۳۲۵ را در سمت چپ احساس می‌کردم. در انتهای دیوار به سمت چپ پیچیدیم. سربالایی بود. می‌دانستم که مقصد کجاست، پشت بند چهارا سربالایی تندتر شده بود و به‌تدریج شیب زمین کم شد. بوی باروت فضا را پر کرده بود و هم‌زمان با قدمهایمان صدای برخورد پای بچه‌ها با یو‌که‌هایی که روی زمین ریخته بود را می‌شنیدیم. از زیر چشمیند نگاه کردم، بالای تپه بودیم. حمید از چپ یاد خنکی! کمی که سرم را بالاتر گرفتم نورهای شهر تهران دیده می‌شد و کمی جلوتر چند کامیون کمپرسی ایستاده بودند. خدای من! کمپرسی‌ها پر بود از اجساد بچه‌ها. یک لحظه در دلم گفتم: آیا کسی هست که خبردار شود در این شبها چه بر جوانان میهنمان گذشت؟ چه کسی راور می‌کند؟ شاید هم حق داشته باشد که باور نکنند که چه به روز نسل ما می‌آورند؟

پاسدارها بدون این‌که حرفی بزنند ما را با یک فاصله از هم به صف کردند. زمین زیر پام لیز و چسبنده بود. ما داشتم روی خونهٔ تازهٔ بچه‌های قبلی راه می‌رفتیم. دلم می‌خواست چشمبندم را بردارم ولی نمی‌شد. دنبال حمید می‌گشتم و سرم را بالا گرفته بودم که چیزی محکم به سرم خورد و روی زمین افتادم. زمین خیس بود، بوی خون منامم را پر کرده، وقتیکه دوتا از پاسدارها بلندم کردند، لباسم پر از خون شده بود. صدای بوق یک بلندگوی دستی شنیده شد: بسم‌الله الرحمن الرحیم. به موجب حکم حاکم محکم به اعدام شده‌اند و حکم به اجرا درخواهد آمد.

با دیدن پوتینهای پاسداران متوجه حضور تعدادی از آنها در کنار خودم شدم. یکی از پاسدارها دستمالی را به گردنم بست و چیزهایی به پاسدارهای روی‌رو دهم گفت، علت را نفهمیدم.

احساس می‌کردم به چیزی نیاز دارم که ما را از خودمان بیرون بیاورد و این سکوت سنگین را بشکند. سکوت خواست درخیمان بود. احساس بدی داشتم، احساس بی‌ثباتی و غمی و پاسپو، ناگهان صدای الله‌اکبر بلند شد و به‌تدریج به شهادتین تبدیل شد. همه باهم شروع کردیم. با شنهادتین برادر مسعود در سخنرانی امجدیه افتادم و با قدرت بیشتری فریاد زدید.

صدای گلنگدن سلاح‌های جوخهٔ مرگ شنیده شد. یک لحظه سکوت کردیم. ولی وقت بیشتری نداشتیم و قویرت از قبل شروع به شمار دادن کردیم. حمید را صدام زد ولی صدایی نشنیدم. صدایی مثل رعد و برق شنیده شد. دردی عجیب قفسه سینه‌ام را پر کرد و صدای نالهٔ نفرات کنارم، بی‌اختیار زانو زدم. ابتدا فکر کردم چه راحت!... صدای خرخر بچه‌ها را در کنارم می‌شنیدم. ولی انگار مرا زده بودند. احساس تهایی و حسرت با صدای آخرین نفس‌های شهدا درهم آمیخته بود. با تمام دلالت داد زدم چرا؟ چرا مرا نزدیک. بی شرف‌ها مرا هم بزنید... یکی از بچه‌ها دست و پا می‌زد و روی من افتاد. چشمبندم افتاده بود و همه چیز را می‌دیدم. خدایا این حمید

بود. آخرین لرزشهای زندگیش را روی سینه‌ام به پایان رساند. هنوز هم بعد از سالها، بوی این خون، آخرین فشار دست حمید روی بازویم و آخرین بازدم گرم او را کنار گوشم حس می‌کنم. صورت او را بوسیدم هنوز گرم بود. چشمان سبزش نیمه‌باز بود. مطمئن بودم که هنوز مرا حس می‌کند و در دلم به او قول دادم که راهش را تا به آخر ادامه خواهم داد.

همراه با صدای تک تیرهای خلاص، حمید ترکه و مجید قدوسی پام را گرفته و روی زمینی که به خون شهیدان آغشته بود کشاندند.

و به کناری انداختند. صدایی پرسید این دیگه

چی؟

حمید تر که گفت: خواستیم این پنجاه ونه‌یی‌ها هم توی باغ بیان و بفهمن که جمهوری اسلامی با کسی شوخی نداره. دفعه بعد خودم تیر خلاصتون را می‌زنم. هم‌زمان صدای کشاندن دو نفر دیگر را شنیدم. ابراهیم درختشی و یک خواهر بودند. داد زدم، بی‌شرف ما را هم اعدام می‌کردي!

با ضربه قنداق تفنگی که به سرم زدند بیهوش شدم.

وقتی چشمهایم را باز کردم، مجتبی (حجت جباریان) بالای سرم بود و متوجه شدم بچه‌ها لباسهایم را عوض کرده‌اند. کسی سؤالی نمی‌کرد. همه می‌وانستند چه خبر شده. بعد از آن تا مدتی حال هیچ کاری نداشتن و نمی‌توانستم بخوابم. خونریزی معده‌ام از یک‌طرف و بی‌خوابیهایم



شمارهٔ ۷۸۸ – دوشنبه اول اسفند ۱۳۸۴



مرا به‌شدت لاغر کرده بود. از خواب می‌ترسیدم. چندین بار بچه‌ها مرا در‌حالی‌که فریاد می‌زد: بی شرف‌ها مرا هم بزنید. مرا هم اعدام کنید. و گریه می‌کردم، بیدار کرده بودند. چون ۹۰نفر در یک اتاق و مجبور به کتابی‌خوابیدن بودیم، هروقت دست یکی از بچه‌ها روی صورتم می‌افتاد، داد می‌زدم و به خیال این‌که دست حمید است که در لحظات آخر حیاثش به من چنگ می‌زد دستش را می‌گرفتم و با گریه می‌بوسیدم فقط صدای حجت که با خواندن آیات قرآن و یاد شهدا و تعهداتمان نسبت به راه مسعود و ادامهٔ راهش مرا امیدوار می‌کرد، امیدوار می‌شدم.

ابراهیم درختشی هم چنین وضعیتی داشت. ناگهان مقداری از موهایش سفید شد و در قسمتهایی از صورتش، مو‌ها به‌صورت دایره شروع به ریزش کرد. ابراهیم در اواخر شهریور ۶۰ به قزلحصار منتقل شد. ولی هنگام ورود به قزلحصار نامه و دستورالعملهای تشکیلات در زندان، از او کشف شد و چندروز بعد او را به اوین برگرداندند و در تاریخ ۷هر ۴مهر ۶۰ در سن ۲۳سالگی به جوخهٔ اعدام سپرده شد.

زیر نویس

(۱) حمید ترکه،بازجوی اوین که از ۳۰خرداد ۶۰ در بند ۲۰۹ مسئول شکنجهٔ زندانیان بود.

(۲) ابراهیم درختشی اهل تنکاب و دانشجوی علم وصنعت تهران بود.

طارق	
	
به درختان نشسته لب کاریز سحر	عنکبوت خفت را
- با اشارت به گلو-	از سه کنج شب ذهن
برگی از رنگ شقاوت دادند	آشتی داد
از دل آبی آب	زندگی را با زبانیی
سادی را دزدیدند	و به لب گفت که لبخند تماشا دارد
بر سر خفته خاک	زندگی محتاج شکر خند نگاه من و توست
چندان خون گوزنان پاشیدند	باید از خاطره آبی امروز به فردا پل زد
که گیاه از رویش ترسید	و نباید خو کرد
آسمان را چندان از دشنه و خون پر کردند	با عادت
که دگر ماه نیامد به ملاقات خیال مامیها	آنها می‌خواهند
xxx	ما نیازیم برای من و تو
آه	یا که باشیم
این شکیبایی کافیتست	من و تو بی من و تو
پاید	من و تو باید با هم باشیم
این پیچ‌ها را همه در قامت فریاد وزید	من و تو باید محکم باشیم
گره حوصله را بازگشود	ما نیاید
کوچه را پر کرد از واژه زیبای عبور	ما نیاید
به خیابان داد از حرکت معنی تو	ماننداید.مهم باشیم
باید انداخت برون	این شکیبایی کافیتست.



من قویاً اعتقاد دارم که عملیات نظامی خارجی به هیچ‌وجه پذیرفتنی نیست. این‌گونه اعمال در مورد ایران نتیجه منفی به بار خواهد آورد و جز رنج و مصیبت هرچه بیشتر برای مردم ایران نخواهد بود.

به نظر من اقدامات اخیر برخی از کشورها برای مسدودکردن امکانات مالی ملاها در بانکهای خارجی تأثیر خوبی دارد. استراتژیهای دیگری که می‌تواند به سرنگونی جمهوری اسلامی کمک کند بستان سفارتخانه‌های آنان در سراسر جهان و بیرون‌کردن نماینده آنها از سازمان ملل می‌تواند باشد.

جامعه جهانی هم‌چنین باید از مقاومت ایرانیان در ایران و جهان پشتیبانی کند و آن را به رسمیت بشناسد.

● آقای اکرمی از شما متشکرم. شما یک رزمنده واقعی آزادی هستید. از این‌که حقایق را در مورد رژیم ایران گفتید و خاطره قربانیان این رژیم را زنده نگه داشت‌اید. متشکرم. ما این اقدام شما را فراموش نخواهیم کرد.

● **به نظر شما غرب چگونه رفتاری باید با این تهدید [رژیم حاکم بر] ایران داشته باشد؟ ما چگونه می‌توانیم به آزادی [مردم ایران] کمک کنیم؟**

● **و نیت استفاده از سلاح اتمی را در صورت به‌دست آوردنش، دارند؟**
همان‌گونه که در فیلم چند نمای ساده دیدید اصل تعیین‌کننده سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی بر اساس نظریات فاشیسم اسلامی خمینی

در رسانه‌های همگانی جهان زنان حضور کمی دارند

زنان به ندرت به عنوان متخصص یا فرد با نفوذ در رسانه‌های خبری ظاهر می‌شوند. آنها اغلب در خبرهای

مربوط به چهره‌های هنری و تشریفاتی و یا افراد معمولی حضور می‌یابند

نتایج تحقیقات جدید درباره نقش زنان در زمینه تولید اخبار و گزارشگری که در روز ۲۶ بهمن ۸۴منتشر گردید نشان می‌دهد در حالی که ۵۲درصد جمعیت جهان را زنان تشکیل می‌دهند، در رسانه‌های خبری نقش بسیار کمی دارند.

گزارش جدید که تحت عنوان «چه کسی خبرساز است؟؛ پروژه ماینپور رسانه‌های خبری سال ۲۰۰۵» در ۱۴۳صفحه منتشر شد، در برگیرنده نتایج بررسی حدود ۱۳هزار گزارش خبری ایستگاههای رادیویی و ایستگاههای تلویزیونی و روزنامه‌ها در ۷۶ کشور جهان می‌باشد که در روز ۱۶ فوریه سال ۲۰۰۵ پخش و منتشر گردیده‌اند.

در این گزارش آمده است فقط ۲۱ درصد سوژه خبری را زنان تشکیل می‌دهند، بدین معنی که یا زنان موضوع خبر بوده‌اند، یا با زنان مصاحبه شده است و یا زنان گزارشگری آن را به عهده داشته‌اند.

این گزارش نتیجه تحقیقات خود را به صورت دیگری نیز ارائه می‌دهد و می‌نویسد در این روز «در ازای هر ۵ مرد که در رسانه‌های خبری ظاهر شده‌اند فقط یک زن شرکت داشته است».

اما نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که بیشترین نقش را زنان در گزارشگری تلویزیونی و کمترین نقش را در رادیو داشته‌اند. تا جایی که به خبرسازی برمی‌گردد زنان اغلب در خبرهای مربوط به چهره‌های هنری و تشریفاتی و یا افراد عادی نقش داشته‌اند و به ندرت به عنوان متخصص یا یک فرد با نفوذ در اخبار ظاهر شده‌اند.

در سال ۱۹۹۵ که برای اولین بار گزارش تحقیقاتی مشابهی انتشار یافت زنان ۱۷درصد نقش داشتند و بهبودی مشاهده می‌شود. اما نتایج تحقیقات حاکی از آن است که این بهبود فقط در زمینه گزارشگری اخبار توسط زنان است که از ۲۸درصد در سال ۱۹۹۵ به ۳۱درصد در سال ۲۰۰۰ و ۲۷درصد در سال ۲۰۰۵ رسیده است.

سازمان بهداشت جهانی:

در سال ۲۰۲۰ تصادف اتومبیل بیش از ایدز سلامت مردم را به خطر می‌اندازد

در سال ۲۰۰۲ در سرتاسر جهان به‌طور متوسط روزانه ۳۲۴۲ نفر در تصادفات جاده‌یی جان خود را از دست داده‌اند

هر سال در سرتاسر جهان هزاران مرد و زن، پیر و جوان که خانه خود را به قصد محل کار و یا محل تحصیل ترک می‌کنند و کودکانی که به مدرسه می‌روند و یا به قصد بازی عازم کوچه و خیابان می‌شوند در اثر تصادف جان خود را از دست می‌دهند و هرگز به خانه خود باز نمی‌گردند.

هم‌چنین در اثر تصادفات اتومبیل میلیون‌ها نفر هفته‌ها را در بیمارستان‌ها سیر می‌کنند و حتی هرگز قادر به بازگشت به زندگی گذشته خود نیستند.

بسیار قبل از این که اتومبیل اختراع شود سوانح جاده‌یی به تصادف حیوانات و گاری با انسان محدود می‌شد اما با تولید فراینده انواع وسایل حمل و نقل و گسترش استفاده از آنها تصادفات افزایش یافت.

اولین تصادف جاده‌یی که در تاریخ ثبت شده مربوط به تصادف یک دوچرخه‌سوار با یک خودرو در ۸مه ۱۸۹۲ در شهر نیویورک است. در ۱۷اوت سال نیز اولین عابر پیاده در اثر تصادف با یک خودرو جان خود را از دست داد. از آن روز میزان تلفات تصادفات جاده‌یی افزایش یافت و تا سال ۱۹۹۷ جمع کل قربانیان به حدود ۲۵میلیون نفر رسید.

سازمان بهداشت جهانی در گزارشی که در روز سه‌شنبه، ۲۵بهمن ۸۴ منتشر کرد اعلام کرد صدمات ناشی از تصادفات خودرو به یک مشکل جهانی تبدیل شده است که بیش از همه قربانیان آنها فقیران هستند. افزایش تلفات انسانی ناشی از تصادفات خودرو آن قدر افزایش یافته است که صدها متخصص از سرتاسر جهان در زمینه حمل و نقل و آموزش و پرورش و بهداشت عمومی را برانگیخت که تحت نظارت و هماهنگی سازمان بهداشت جهانی و بانک جهانی برای اولین بار به تهیه گزارشی تحت عنوان «گزارش جهانی برای پیشگیری از تصادفات جاده‌یی» بپردازند.

در سال ۲۰۰۲ حدود ۱/۸ میلیون نفر در تصادفات اتومبیل در جهان کشته شده‌اند که به‌طور میانگین ۳۲۴۲ نفر در روز را در برمی‌گیرد. بیش از ۲درصد مرگ و میر روزانه در سطح جهان را تصادفات تشکیل می‌دهد که در حال حاضر یازدهمین عامل مرگ در سرتاسر جهان است.

بناباه گزارش سازمان بهداشت جهانی بیش از نیمی از افرادی که در هر سال جان خود را در تصادفات از دست می‌دهند بین ۱۵ و ۴۴سال سن دارند و اکثر آد در سنی هستند که سالهای اصلی تولید انسان است و این

آیا دوران افول اروپا فرا رسیده است؟

نویسنده: فرید ذکریا، ستون نویس

در هفته گذشته در حالی که کاریکاتورها و آشوبهایی که برسر آنها به وقوع پیوست عنوانهای رسانه‌های خبری اروپا را تشکیل می‌دادند، انتشار یک گزارش تحقیقاتی که توجهات زیادی را جلب نکرد، به صورت بهتری چشم‌انداز قاره اروپا را ترسیم کرد.

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی که مقر آن در پاریس مستقر است در گزارشی که تحت عنوان «پیش به‌سوی رشد» منتشر نمود، به بررسی چشم‌انداز اقتصادی دنیای صنعتی می‌پردازد. این گزارش در ۱۶۰ صفحه و با نیز ۱۰۰مخطوط و مؤدبانه تدوین شده است. اما جمع‌بندی آن روشن است: اروپا با بحران عمیقی روبه‌رو است. این روزها در همه جا از صعود آسیا و چالش آن برای آمریکا صحبت می‌شود. این در حالی است که احتمالاً مهمترین برآیند روند تحولات در دهه آینده، افول اقتصادی اروپا خواهد بود. اغلب اشاره شده است که تولید ناخالص اتحادیه اروپا با آمریکا برابری می‌کند. اما اتحادیه اروپا ۱۷۰میلیون نفر بیش از آمریکا جمعیت دارد، تولید ناخالص سرانه آن ۲۵درصد از آمریکا کمتر است و مهمتر از همه این شکاف رو به گسترش است.

اقتصاددانان سازمان همکاری و توسعه اقتصادی معتقدند اگر این روند ادامه پیدا کند تا ۲۰ سال دیگر هر شهروند آمریکایی دو برابر شهروند فرانسوی یا آلمانی ثروت خواهد داشت. (انگلیستان در این ارزیابیها استثنا است زیرا در بین قاره‌های اروپا و آمریکا قرار دارد).

مردم استدلال می‌کنند که اروپاییان بیشتر تفریح می‌کنند و در نتیجه فقیرتر هستند ولی زندگی آنها از کیفیت بالائری برخوردار است. اگر هزینه تفریحات و تعطیلات ۱۰درصد درآمد باشد این قابل قبول است. اما اختلاف ۵۰درصد به برخورداری از سطح پایتتری از بهداشت و آموزش و کاهش به دسترس‌ی به خدمات و تولیدات و بالاخره کیفیت زندگی زائرلتر منجر خواهد شد.

در مارس ۲۰۰۰ رؤسای کشورهای عضو اتحادیه اروپا گفتند که اتحادیه اروپا را تا سال ۲۰۱۰، به اقتصادی دینامیک و متکی به علوم و با توانایی زیاد برای رقابت تبدیل خواهند کرد. اما اکنون این یک مزاج به نظر می‌رسد.

جهان

صفحهٔ ۱۰



شمارهٔ ۷۸۸ – دوشنبه اول اسفند ۱۳۸۴

در مسیـر یگانگی

(قسمت هفدهم)

شاهین توتونچی دکتر فیزیک ذرات اولیه از دانشگاه ماساچوست

فیزیکدانان در ابتدا به بررسی اتم هیدروژن که ساده‌ترین اتمها بود پرداختند و بسیاری از خواص آن را مطالعه کرده و توضیح دادند، ولی بعداً سعی در فهم عناصر پیچیده‌تر داشتند، به‌خصوص با تئوری مکانیک کوانتوم درصدد توضیح جدول مندلیف برآمدند. این جدول که حدود پنجاه سال قبل از آن دوران توسط مندلیف، شیمیدان روسی، وضع شده بود، عناصر را به واسطه خواص شیمیایی آنها طبقه‌بندی کرده بود. سؤال این‌جا بود که چرا و چگونه یک چنین ترتیبی در طبیعت موجود است.
پاولی فیزیکدان اتریشی، برای توضیح این پدیده، اصلی را پیشنهاد کرد که اصل انحصار(Exclusion Principal) نام گرفته است. بنابراین اصل فقط دو الکترون و نه بیشتر می‌توانند هر یک از اربیتالها را اشغال کنند و الکترونهای جدیدی می‌بایستی به اربیتالهای دیگر بروند. بدین گونه الکترونهای جدید به جای این که همگی در یک اربیتال سکنی گزینند مجبور می‌شوند که اربیتالهای جدید یا بالاتر را انتخاب کنند.

از آن جایی که خواص شیمیایی عناصر حاصل تعداد الکترونهای آن عنصر در بیرونی‌ترین و بالاترین اربیتالهاست، ما شاهد تکرار خواص شیمیایی بین عناصری هستیم که تعداد یکسانی از الکترونها در بالاترین و بیرونی‌ترین اربیتال خود دارند.
در آن دوران با آزمایشهایی که انجام شده بود دانشمندان متوجه شده بودند که الکترون دارای چرخش است. مشابه زمین که به دور خود می‌چرخد، الکترون هم چرخشی دارد که سبب ایجاد نیروی مغناطیسی می‌شد. الکترون در یک جهت یا جهت دیگر می‌چرخد و هیچ‌گاه از چرخش باز نمی‌ایستد. دانشمندان نشان دادند که دو الکترونی که یک اربیتال را اشغال می‌کنند چرخشی متفاوت دارند. پس دو الکترونی که یک اربیتال را اشغال می‌کردند متفاوت هستند و یکسان نیستند. پس اصل انحصار در شکل عامتر خود اجازه نمی‌دهد که بیش از یک الکترون هر اربیتال و یا مکانی را اشغال کند. الکترون دیگر اگر بخواهد در آن اربیتال و یا مکان باشد می‌بایست متفاوت باشد، یعنی چرخش آن در جهت دیگری باشد.
در نگاه اول به نظر می‌آید که این اصل جدا از مکانیک کوانتوم است و از آن عده فرضهای خارق‌العاده‌یی است که جهت توضیح مشاهده شده تئوری اضافه شده است. این ما را به یاد فرضیه خارق‌العاده قرون وسطی می‌اندازد. همان‌طور که دیدهام‌علم در ابتداسعی دارد که پدیده‌ها را توضیح دهد. به همین دلیل، قوانین پدیدهبی بسیار خاص است و قبل از تئوری عام شکل می‌گیرد. اصل انحصار به نظر می‌آید که یکی از این قوانین پدیدهبی باشد. طبیعت به دلیلی این راه و روش را انتخاب کرده که دو الکترون یکسان نمی‌توانند یک جا از فضا را در عین حال اشغال کنند. دلیل آن هم کاملاً روشن نیست ولی با قبول آن، بسیاری از مشاهدات توضیح داده می‌شود. گرچه فیزیک با قوانین پدیدهبی شروع می‌کند ولی همواره سؤلهای بنیادینری می‌کند. همان‌طور که خواهیم دید اصل انحصار فقط یک قانون پدیدهبی نیست و یک قانون عام است. به همین دلیل است که کلمه «اصل» به آن اطلاق می‌شود که خبر از عام بودن آن می‌دهد. این اصل عام در شکل خاص خود می‌تواند تقسیم الکترونها بین اربیتال اتم و خواص شیمیایی عناصر را توضیح دهد. این اصل از بطن خواص تقارنی امواج کوانتومی که غیرقابل مشاهده‌اند، برمی‌آید.

حالا یک سیستم از ذرات اولیه یکسان را در نظر بگیرید که مثلاً حاوی دو ذره باشد. مثلاً یک سیستم با دو الکترون با چرخشی یکسان و یا دو فوتون. همان‌طور که یک الکترون و یا فوتون را می‌توان توسط یک موج کوانتومی توضیح داد. این سیستم را نیز می‌توان توسط یک موج کوانتومی نشان داد. سؤال این‌جا است که اگر جای این دو ذره را با هم عوض کنیم چه تغییری در موج کوانتومی که این سیستم را نمایندگی می‌کند ایجاد می‌شود؟ جواب به این سؤال جای فکر دارد. چرا که موج کوانتومی قابل مشاهده نیست. اگر این موج قابل مشاهده بود آن گاه تعویض جای این دو ذره از آن تنوع فکر کنیم. برای سالیان مردم استدلال کرده‌اند که با گذشتش تنوع پس‌انداز ارزش دلار کاهش خواهد یافت. اما آنهایی که در جستجوی آلترناتیو بوده‌اند معتقدند که ین و پورو اقتصادهایی را نمایندگی می‌کنند که به لحاظ ساختاری ضعیف هستند. بنابراین تمامی اینها به چه منجر خواهد شد؟ نفوذ کمتر اروپا در جهان. موقعیت اروپا در نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق



در سال ۲۰۰۲ در سرتاسر جهان به‌طور متوسط روزانه ۳۲۴۲ نفر در تصادفات جاده‌یی جان خود را از دست داده‌اند



در ایران تحت حاکمیت آخوندی روزانه بیش از ۷۰ نفر جان خود را در تصادف از دست می‌دهند که بالاترین میزان در جهان است



بین‌المللی پول با میزان تولید ناخالص رابطه دارد. کاهش هزینه دفاعی توانایی نظامی اروپا را برای مشارکت نظامی با آمریکا و یا شرکت در پروژه‌های نظامی، حافظ صلح در جهان کاهش خواهد داد. دورنمای حمایت فراینده از محصولات داخلی هر چه بیشتر قدرت اروپا را کاهش خواهد داد.

افول اروپا به معنی داشتن جهانی است که در آن قدرت پرانکنده است و توانایی کمتری برای برقراری استانداردهای بین‌المللی و قوانین مسیر راه وجود خواهد داشت. هم‌چنین به این معنی است که توانایی ابر قدرتی مانند آمریکا رو به کاهش رود. اگر در زمینه دلار فکر کنیم، برای سالیان مردم استدلال کرده‌اند که با گذشتش تنوع پس‌انداز ارزش دلار کاهش خواهد یافت. اما آنهایی که در جستجوی آلترناتیو بوده‌اند معتقدند که ین و پورو اقتصادهایی را نمایندگی می‌کنند که به لحاظ ساختاری ضعیف هستند. بنابراین تمامی اینها به چه منجر خواهد شد؟ نفوذ کمتر اروپا در جهان. موقعیت اروپا در نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق

ادامه دارد

جلسهٔ زنان در کلوب خبرنگاران آمریکادر شهر واشینگتن

بررسی سیاست واشینگتن در خاورمیانه و نقش زنان در ایران و عراق توسط مجمع زنان علیه بنیادگرایی در ایران

اعضای پل از راست:نیران صراف، بنیانگذار ائتلاف زنان برای عراق دموکراتیک؛ کلر لویز، مدیر اجرایی کمیته سیاست ایران؛ ژیل کازرونیان، مدیر اجرایی مجمع زنان علیه بنیادگرایی در ایران؛ دکتر دانا هیوز، پروفیسور مطالعات زنان در دانشگاه رود آیلند؛ رامش سپهراده، رئیس کمیته ملی زنان برای ایران دموکراتیک

روز جمعه ۲۱بهمن۱۳۸۴مجمع زنان علیه بنیادگرایی در ایران، جلسه‌یی توجیهی در کلوب خبرنگاران آمریکا در شهر واشینگتن دی.سی برگزار کرد که چندین سخنران از آکادمیستهای آمریکایی، تحلیلگران سیاسی آمریکایی و زنان ایرانی و عراقی در آن شرکت کردند.

در این برنامه دکتر دانا هیوز، پروفیسور مطالعات زنان از دانشگاه رود آیلند آمریکا، خانم کلر لویز، مدیرکل کمیته سیاست زنان در آمریکا، از جمله سازمان ملی زنان آمریکا دموکراتیک، و خانم رامش سپهراد، مسئول کمیته ملی زنان برای ایران دموکراتیک به سخنرانی پرداختند.

این جلسه با استقبال زیادی از طرف سازمانهای سراسری و بزرگ زنان در آمریکا، از جمله سازمان ملی زنان آمریکا و سازمان بین‌المللی امور سیاسی زنان آمریکا، رویه‌رو گردید. هم‌چنین اظرف سفارت تونس، سفارت پاکستان، دفاتر نمایندگان کنگره از جمله خانم لویز اسلاتر، انستیتی ملی حزب دموکرات آمریکا، انستیتی آزادی بیان زنان، و هم‌چنین رسانه‌های آمریکا از قبیل خبرنگار روزنامه واشینگتن تایمز، پوستون گلوب، خبرگزاری اخبار زنان، نماینده گانی به این برنامه آمده بودند.

در این جلسه که دو ساعت به‌طول انجامید، سخنرانان، سیاست خارجی آمریکا را در قبال ایران و عراق به خصوص وضعیت زنان در این دو کشور را مورد بررسی قرار دادند. هدف جلسه و سخنرانان این بود که توصیه مشخص سیاسی به کابینه آمریکا ارائه دهند. موضوعاتی که در جلسه مورد بحث قرار گرفت، از قبیل صدای رهبریت سیاسی زنان در ایران و عراق، به قدرت رساندن زنان در این دو کشور درامورات کلیدی کشوری و هم‌چنین چالشها و موقعیتهای نبرد زنان علیه بنیادگرایی بود. خانم کازرونیان در صحنهای اولیهٔ خود گفت: عطف

در دوران جوانی در رابطه با آدمه‌های مستأصل و تمام‌عیار شکست‌خورده که فقای حتمی خویش را پیش‌رو داشتند، از پیرمرد گرم و سرد چشیده‌یی داستانی شنیدم که اینکه این داستان حتی اگر افسانه‌یی مطلق باشد، بی‌شباهت به حال و روز نزار رژیم آخوندی و ولی وقیح خون‌آشام آن که مرگ محتوم دیکتاتوری‌اش را در پیش‌رو می‌بیند، نمی‌باشد.

طبق روایت پیرمرد، در دوره‌های بسیار گذشته و به قول وی «عهد دقیانوس» هر حاکمی بر بخشی از خاک و سرزمین و مردم آن که با حصار و برج و بارو به شکل قلعه‌یی مستحکم محصور می گردید، حکومت می کرد. هر قلعه، شهری و یا حتی کشوری به‌شمار می آمد و حاکم نیز به شقون و لشکر و داروغه‌هایی تکیه داشت تا در هنگامه حمله دشمن از قلعه و بیش از هر چیز تاج و تخت او به دفاع برخیزند.

جنگ و غارت چیزی همیشگی بود و قلعه‌ها همواره آماده جنگ و دفاع از خود بودند. جنگ‌افزارها همگی بدوی و ساده نظیر شمشیر و خنجر و نیزه برای جنگهای تن‌به‌تن به‌شمار می آمدند. لیکن در هنگام آخرین دفاع از قلعه و راندن دشمن پیگیر قهار از مواد و ادوات مختلف نظیر پرتاب سنگ، آب‌جوش، آتش مذاب و غیره استفاده می گردید.

برای هر یک از این وسایل دفاعی نیز دسته و گروه‌هایی که زیر نظر یک فرمانده یا سردار نظیر فرمانده سنگ، فرمانده آتش و یا آب‌جوش و غیره اداره می گردید، وجود داشت.

اما در میان قلعه‌ها، قلعه تاپاله و بالطبع حاکم آن و سردار و فرمانده مربوطه که همگی به پسوند تاپاله شناخته می‌شدند، بسیار معروف بود.

جناب حاکم در پس شکستهای ممتد و هر بار نیز بر باد رفتن تاج و ناموس و بالاخره پرداخت باج و خراج به دشمنان، به راهحل «تاپاله» رسیده بود؟ به فرمان حاکم حوضچه‌های بزرگ و متعدد در داخل قلعه حفر کرده و اهالی شهر موظف بودند که فضولات روده‌یی خویش و حیوانات خود را به درون آن سرازیر کنند. سردار و فرمانده مربوطه نیز که به سردار تاپاله شناخته می گردید، موظف بود که با آبیاری حوضچه‌ها آنها را برای روز مبادا ترو تازه نگه‌داشته و از خشک‌شدن آن در معرض آفتاب جلوگیری نماید! بوی زننده و هورای آلوده و هر گونه بیماری ناشی از انبوه فضولات جای هیچ بحث و شکایتی برای مردم نداشته و طبق فرمان حاکم و سردار تاپاله «روز مبادا» از هر چیزی مهمتر بود تا با تاپاله تاج و تخت حاکم حفظ گردد!!

اسطوره‌یی در آسمانهای رؤیاهای من

اولین شهید سازمان پر افتخار مجاهدین خلق ایران آن‌هم در نظام ستم‌شاهی حتماً انسانی را می‌طلبید که لیاقت به دوش کشیدن این عنوان را داشته باشد

مگر می‌شود این همه فدا کرد. راستی او خودش را به‌خاطر آزادی خلقش و من و دیگران این گونه فدا کرد؟

احمد هیچ به دشمن نداد نه جسم بی‌جان‌ش را و نه حتی سلاحش. فکر می‌کنم این جمله را از مسعود رجوی شنیده‌ام. بیست و شش سال بعد از آن روزها من در سن ۳۸سالگی در اشرف دارم این اسطور را به رشتهٔ تحریر در می‌آورم. راه و یاد احمد الهام بخش من و هزاران هزاری شد که در آن دوران پا به عرصهٔ فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی گذاشتم. احمد از چهره‌هایی بود که من با هر نگاه به او عزمم برای پیوستن به آرمان برحقش بیشتر می‌شد.

چهرهٔ احمد رضایی در آن عکس از آرامشی برخوردار بود که انکار همان یقین و آرامش را به من منتقل می‌کند. او به راستی یکی از بزرگترین انقلابیون عصر ما به شمار آمده و راهگشای نسلی پیش‌تاز شد.

اولین شهید سازمان پر افتخار مجاهدین خلق ایران آن‌هم در نظام ستم‌شاهی حتماً انسانی را می‌طلبید که لیاقت به دوش کشیدن این عنوان را داشته باشد.

احمد و سایر مجاهدینی که درآن دوران سیاه خفقان پا به عرصه مبارزه انقلابی گذاشتند، می‌دانستند که در این مسیر فدا خواهند شد و معروف بود که بین خودشان می‌گفتند عمر یک انقلابی ۶ ماه است، یعنی از وقتی که پا به عرصهٔ مبارزه می‌گذارد حداکثر ۶ماه بعد شهید خواهد شد، آنها با چنین چشم‌اندازی به این میدان وارد

توجعات جهانی برای اولین بار به رژیم بنیادگرای ایران که بسیاری از قوانین بین‌المللی را نقض نموده و فعالیت غیرقانونی اتمی را آغاز نموده، بسیار مهم است. اما ما خواستار این هستیم که دولت ایران هم‌چنین به‌دلیل نقض حقوق‌بش و به‌خصوص نقض سیستماتیک حقوق زنان مورد انتقاد و ایزولاسیون سیاسی و دیپلماتیک قرار گیرد.

وی درادامه صحنهای خود گفت: زنان ایران در ۲۷ سال گذشته با پرداخت بهای سنگینی، مشعل نبرد ضدبنیادگرایی را در کشور خود حمل کرده‌اند. زمان آن رسیده که سیاستمداران واشینگتن و دیگر کشورها نقش مهم زنان را در تغییر دموکراتیک در ایران به‌رسمیت بشناسند.

دکتر دانا هیوز در صحنهای خود ضمن تأیید صحنهای خانم کازرونیان گفت: من در مطالعات خودم دریافت‌م که زنان ایران به‌طور تاریخی در صحنهٔ سیاسی بسیار فعال بوده‌اند. بسیار مهم است که واشینگتن طبیعت زن‌ستیزی بنیادگرایی را در کت کند. زیرا که اگر ما رژیم بنیادگرایی را که در ۲۷سال گذشته زنان و مردان را مورد ضرب و شتم قرار داده، محکوم نکنیم، هیچ‌گاه نمی‌توانیم سیاست درستی در قبال این دولت ضدزن و سرکوبگر اتخاذ کنیم. من به‌طور مشخص پیشنهادت سیاسی را به دولت ارائه دادم و امیدوارم که در این مقطع حیاتی این پیشنهادت جدی گرفته شوند. رژیم ایران در حال به‌دست آوردن توانایی اتمی و آماده کردن خود برای جنگی جدید و سهمگینتر از جنگ جهانی دوم می‌باشد. مهمترین محور پیشنهاد من این است که دولت ما باید به اپوزیسیون اصلی ایران که توسط زنان رهبری می‌شود، روی گشاده نشان دهد.

سخنران بعدی خانم نیران صراف از عراق، گفت: ایران نقش بسیار مخربی در تحولات کشور من بازی می‌کند. رژیم ایران میلیون‌ها دلار در عراق خرج می‌کند تا طرح سیاسی خود

از شلیک هفتادو هفت موشک اسکاد تا پرتاب هفتاد هشتاد تا پاله متعفن!؟

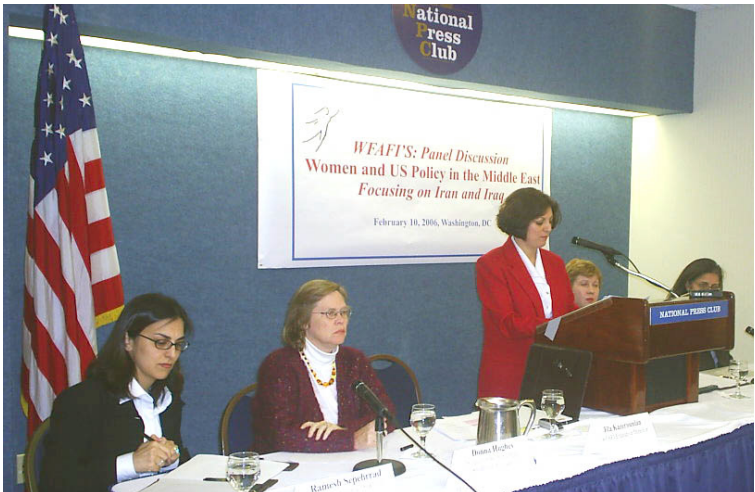
حسین دوستدار حقیقی

نهایت خود مرد و مردار گشته و سازمان مجاهدین هم چنان پویا و سرافراشته به پیش تاخت.

بازماندگان ذاللت پیشه‌اش، رفتنجانی و ختانی به همراه همه درندگان خویش نیز هم‌چنان پای بر جای پای دجال خون‌آشام گذاشته و برای نابودی سازمان و ارتش آزادیبخش ملی از هیچ وطن‌فروشی و باج‌دهی، از هیچ حمله و هجوم و خیانت و از گسترند هیچ دامی دریغ نکردند، تا آن‌جا که در نهایت با خریدن «خفقان» غارتگران بین‌المللی، بیش از هفتاد و هفت موشک اسکاد به سوی پایگاههای ارتش آزادیبخش ملی ایران شلیک کردند. و به‌راستی که چه خاکی که بر سر بی‌غیرت‌ترین رهبر جهان سیدعلی روضه‌خوان شد و جهان در مقابل استواری و صلابت ارتش آزادیبخش چشماش خیره گردید. هم‌چنان‌که امروز نیز چشمان جهانیان در مقابل دژ شرف، اشرف، این چشمه خورشید میهنمان خیره مانده است.

اینک مدتی است که حامیان و هاداران و اعضای مقاومت و ارتش آزادیبخش ملی ایران که تا کنون با تأسی از سازمان مجاهدین خلق از هر گونه پاسخگویی به اراجیف و اساسأ افشای خودفروختگان و مزدوران سرازیر شده به حوضچه تاپاله رژیم آخوندی خودداری می‌ورزیدند، اندکی پرده‌ها را در نشریه مجاهد بالا می‌زنند و چهره کره‌پشان را بر ملا می‌سازند. و به مصداق این که انسان چیزی نیست جز حاصل اعمالش، یعنی آن‌چه که تاکنون کرده است و آن‌چه که از این به بعد باید بکند؛ این یاران خستگی‌ناپذیر مقاومت، این آزادگان سرفراز با همه درد و رنجی که در سینه می‌کشند، چنان می‌کنند که باید بکنند. در میان این هفتاد و هشتاد مزدور خودفروخته، پدر مزدور،

شمارهٔ ۷۸۸ – دوشنبه اول اسفند۱۳۸۴



اعضای پل از راست:نیران صراف، بنیانگذار ائتلاف زنان برای عراق دموکراتیک؛ کلر لویز، مدیر اجرایی کمیته سیاست ایران؛ ژیل کازرونیان، مدیر اجرایی مجمع زنان علیه بنیادگرایی در ایران؛ دکتر دانا هیوز، پروفیسور مطالعات زنان در دانشگاه رود آیلند؛ رامش سپهراده، رئیس کمیته ملی زنان برای ایران دموکراتیک

به آنها شعار الله اکبر دادند. روز بعد عکسهای این دختران در روزنامهٔ اطلاعات آخوندها چاپ شد. همراه با نامه به پدر و مادران آنها که مدارک شناسایی بیاورید و اجازه را تحویل بگیرید. آخوند گیلانی در دفاع از حکم خود گفت: من طبق قانون اسلام عمل کردم. دختر ۹ساله همانند مرد ۲۰ساله از نظر اسلام مسئول است و باید جزایش را پس دهد». سخنرانی خانم سپهراد حضار را بسیار تحت تأثیر قرار داد. وی درادامهٔ صحنهایش گفت: وقتی که ما از مقاومت زنان ایران صحبت می‌کنیم، از مقاومت سیاسی می‌گویم. بنابراین بسیار مهم است که صدای سیاسی زنان ایران به گوش جهانیان برسد. مقاومت ایران و به‌طور مشخص سازمان مجاهدین خلق ایران توسط زنان رشید ایران رهبری می‌شود. اگر سیاست خارجی دولتهایی مثل آمریکا و انگلیس، فرانسه و آلمان حقوق زنان و مهمتر از آن، رهبری زنان را در مقاومت ایران به‌رسمیت نشناسند، در جنگ با بنیادگرایی و تهدید رژیم تهران چه در زمینهٔ اتمی، چه در زمینهٔ سیاسی و چه در زمینهٔ تحولات عراق به‌طور کامل شکست خواهند خورد.

این جلسه با پرسش و پاسخ و تبادل نظر خاتمه یافت.

همسر مزدور، فرزند مزدور، دوست و رفیق سابق مزدور درهم و پهرم شده‌اند و بی‌جهت رنج خویش می‌برند و گند خویش می‌پراکنند. چرا که امروز هر ایرانی آزاده‌یی که از ذره‌یی شرف و عرق ملی برخوردار باشد، برایش اظهار من‌الشمس است که تنها کسی راه به سوی رژیم آخوندی می‌گشاید و طوق مزدوری گشتاپوی آن‌را به گردن اندازد که کند که ابترا از همه عواطف انسانی، از کمترین مهر و محبت، از اندکی شجاعت و صداقت، از مثقالی غیثت و شرافت نیز خالی و تهی گردیده و نهایتاً به یک مشت کود مطلق و تاپاله مبدل شود.

باید این تفاله‌ها در هنگام حمله و افترا به پاکبازترین زنان و مردان مقاومت همان‌قدر و غیرت و شرافت داشته باشند که ولی وقیحشان و هیولای گوشخواره وزارت اطلاعاتش، آژهای دارند. اینان باید همان‌قدر از اصالت و شجاعت و صداقت برخوردار باشند که احمدی‌نژاد تیر خلاص‌زن بر‌خوردار است.

حال بر اساس این واقعیت انکارناپذیر که هر ایرانی باشرفی بر آن آگاه است، آیا می‌توان بر کهنه‌مزدورانی چون کریم حقی، حسین سبحانی، مسعود خدابخنده و همسرش آن سینگلئون و بقیه و نیز تازه مزدوری چون مسعود بنی‌صدر که همگی هرروز با بی‌غیرتی تمام‌عیار بر اساس اضطرار و نیاز بیت تاپاله، سیدعلی روضه‌خوان، به وسیله سردار تاپاله‌اش آخوند آژهای، برای هرزده‌رای‌هایشان ترو تازه آبیاری می‌شوند؛ جز تاپاله نام و منظر دیگری قائل شد؟

آری با رژیم آخوندی نیز در پس پرتاب آب و آتش و سنگ و نهایتاً شلیک هفتادوهفت موشک اسکاد، روز مبادایش فرارسیده و اینکه عمامه و تخت حکومتش را بر توفان می‌بیند و به‌عنوان آخرین دفاع از دار و درفشش، اینک تاپاله‌هایش را به سوی مقاومت پرتاب می‌کند!؛ و عجبا که روزگار پایانی قلعه تاپاله سیدعلی روضه‌خان چقدر تماشایی است! این روزها چه در میهنمان ایران و چه در خارج کشور بوی گند این تاپاله‌ها مشام هر کسی را، حتی آنهایی که کمترین سیمانی به مجاهدین را نداشته‌اند، می‌آزارد و برخلاف میل بر برنامه رژیم آخوندی دقیقاً تاپاله‌برانش به ضد خود تبدیل گردیده است. به همین علت رو به درواکلای گوشخواره، آژهای فرمانده گروهان تاپاله بیت سیدعلی باید گفت: تاپاله‌هایتان را هم‌چنان پرتاب کنید!؛ این روزها، روزهای مبادای شماش!

اگرافشاگرِی‌بهای مجاهدین نبود

بقیه از صفحه۷

- آیا سلاح اتمی نزد یک کشور حامی تروریست و سرکوبگر، و مداخله‌جو، جامعه جهانی را به واقعه‌یی مخوف و دردناک و جبران‌ناپذیر سوق نمی‌داد؟

- آیا سیاست مماشات و مذاکره بر سر پروژه‌های اتمی یک شکست جدی نشده است؟
- آیا دولتمردان آمریکا و کشورهای اروپایی و رسانه‌های بین‌المللی به‌کرات، افشاگرِی مقاومت در کنفرانسهای مختلف را مطرح نکردند؟
- آیا به صحت و درستی همه افشاگرِیهای مقاومت در زمینه اتمی تأکید نکردند؟
- آیا صدها کنفرانس مطبوعاتی مقاومت، صدها میتینگ و تظاهرات ایرانیان در کشورهای خارج به دولتمردان اروپایی و آمریکا، نشان نداد که سیاست مماشات و مذاکره با این رژیم مغفور، غیر از دست باز دادن آنها به اعمال تروریستی و سرکوبی مردم نیست. پس در لیست تروریستی فرار دادن مجاهدین و مقاومت مردمی، آیا خواسته مردم ایران است، یا آخوندهای ضدایرانی و جنایتکار؟

- مگر افشاگرِی مجاهدین باعث نشد که چهرهٔ واقعی تیرخ‌لاص‌زن، احمدی‌نژاد، به عنوان رئیس‌جمهور ارتجاع بر ملا شود. حاکم غاصبی که تأکید بر ادامهٔ پروژهٔ ضدایرانی دارد. مگر به مفلوک و متضخ‌ترین رئیس دولت! در جهان مبدل نشد؟

-مگر مجاهدین نبودند که فتنه آخوند شید خاتمی را که برای یک مرحله در پوشش گفتگوی تمدنها همه را در غرب فریفته بود افشا کردند؟
در کنفرانس بزرگ پارلمان انگلستان که در حمایت از مجاهدین شهر اشرف برگزار شد، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت در پیامشان گفتند:

سیاست درست کدام است؟ این سیاست را در سه عبارت خلاصه می‌کنم.
- کوتاه کردن دست رژیم آخوندی از عراق - جلوگیری از دسترسی این رژیم به بمب اتمی -برداشتن نام مجاهدین از لیستهای تروریستی
هدف این سیاست بستن گریزگاه رژیم ولایت‌فقیه و برداشتن راهبند مقاومت ایران است که لا‌جرم به برچیدن بساط دیکتاتوری آخوندی منجر می‌شود.

برچیدن بساط دیکتاتوری آخوندی منجر می‌شود.

آیاتا به حال رژیم مجهز به سلاح اتمی نمی‌شد؟

ایران؛ تهدیدات، چالشها، راه کارها

جلسهٔ سیاست در قبال ایران در کنگره آمریکا



ناصر رشیدی



لین دربی شایر



سپهبدمکینتری



بروس مک کولم



ریموند تنتر



ادی برنیس جانسون



شیلا جکسون لی



ویلیام لیسی کلی



باب فیلنر



تام تانکردو



جان بوزمن



نشان می‌دهند که آنها به این لیست تعلق ندارند. کسانی که خود بالاترین افشارگرها را علیه شبکه‌های تروریستی رژیم کرده اند حالا مارک تروریستی خورده‌اند.

در قسمت بعدی ناصر رشیدی به سخنرانی پرداخت. وی گفت: مردم ایران عهد کرده‌اند که حق حاکمیت مردمی و آزادی را به کشورشان باز گردانند و بهای آن هرچه که باشد حاضر به پرداخت آن هستند. آقای رشیدی اضافه کرد: مردم ایران پیشاپیش یکصندو بیست هزار تن از فرزندان خود را فدای آزادی ایران کرده‌اند و باز هم در نثار همه‌چیز خود دریغ نخواهند کرد.

وی در بررسی شرایط سیاسی ایران گفت: این یک اشتباه بزرگ است که تصور شود احمدی‌نژاد کسی است که مرکب چنین اعمال غلطی می‌شود. بلکه واقعیت این است که احمدی‌نژاد تبلور واقعی ماهیت این رژیم و مطیع خامنه‌ای، سرکردهٔ این رژیم می‌باشد.

ناصر رشیدی ضمن اشاره به همکاری و حمایت گسترده‌یی که در کنگرهٔ آمریکا از خواسته‌های دموکراتیک مردم ایران و مقاومت سازمانافته آنها شکل گرفته است، به حضور گستردهٔ مشاوران و نمایندگان در جلسه اشاره کرده و از آنها به‌خاطر این حمایت تشکر کرد. وی سپس به سخنان خاتم مریم رجوی رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت ایران خطاب به جلسهٔ «تهدیدات استراتژیک رو به افزایش رژیم ایران و لزوم تغییر دموکراتیک در ایران» در کنگره آمریکا در ۲۸مهرماه را یادآوری کرد که گفته بود: «هر روز که می‌گذرد جامعهٔ جهانی فرصتهای بیشتری را در مقابله با تهدیدات ملایان از دست می‌دهد. زمان، نیاز حیاتی ملایان برای دستیابی به بسب اتمی و تسلط بر عراق است. فقدان یک سیاست قاطع در مقابل استبداد مذهبی حاکم بر ایران، این زمان را در اختیار ملایان قرار می‌دهد و در این صورت جنگ اجتناب‌ناپذیر خواهد شد. هم‌چنان که مماشات در دههٔ ۳۰ به جنگ با هیتلر منجر شد.»

ناصر رشیدی افزود الان چهار ماه از این هشدار خاتم رجوی می‌گذرد. اما باید گفت هنوز جامعهٔ جهانی قاطعیت و سرعت عمل لازم را برای رویارویی با تهدید فزایندهٔ ملایان نداشته است و ابراز امیدواری کرد که سیاست جدیدی که امروز در این جلسه مطرح شده مورد توجه سیاست‌سازان در جامعهٔ جهانی قرار گیرد.

تام تانکردو، نمایندهٔ کنگره آمریکا: گذاشتن نام سازمان مجاهدین در لیست تروریستی که در دوران ریاست جمهوری قبلی آمریکا انجام شد نتیجه یک امتیاز دادن به رژیم ایران بود.

ما به‌طور جدی باید در این موضوع تجدید نظر کنیم.

لین دربی شایر، نمایندهٔ خانواده‌های قربانیان انفجار بیروت: من به این نتیجه رسیده‌ام که مردم آمریکا و مردم ایران مثل هم هستند. هر دو یک چیز می‌خواهند که آن‌هم پایان تروریسم است.

سپهد تام مکینتری، معاون سابق ستاد مشترک نیروی هوایی آمریکا: سیاست تغییر رژیم با خارج ساختن سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت از لیست سازمانهای تروریستی و برداشتن محدودیتها از آنها شروع می‌شود.

نظامی نمی‌تواند راه‌حل مسألهٔ ایران باشد، گفت: باید سیاست تغییر رژیم آغاز شود. سیاست تغییر رژیم هم با خارج ساختن سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت از لیست سازمانهای تروریستی و برداشتن محدودیتها از آنها شروع می‌شود. در قدم بعد باید انتلافی از کشورهای منطقه برای حمایت از اپوزیسیون شکل گیرد و در قدم بعدی باید در یک همکاری نزدیک با اپوزیسیون، پروسهٔ تغییر رژیم را تسریع نمود.

بروس مک کولم سخنرانی خود را با این سؤال ایران باشد، گفت: باید سیاست تغییر رژیم آغاز شود. سیاست تغییر رژیم هم با خارج ساختن سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت از لیست سازمانهای تروریستی و برداشتن محدودیتها از آنها شروع می‌شود. در قدم بعد باید انتلافی از کشورهای منطقه برای حمایت از اپوزیسیون شکل گیرد و در قدم بعدی باید در یک همکاری نزدیک با اپوزیسیون، پروسهٔ تغییر رژیم را تسریع نمود.

بروس مک کولم سخنرانی خود را با این سؤال شروع کرد که آیا می‌توانیم روزی را تصور کنیم که ایران جزیرهٔ ثبات دموکراتیک در یک منطقه پر التهاب باشد؟ این کار مسلماً عملی خواهد شد، به شرط این که ما به مردم ایران کمک کنیم تا نقش وسیعتری را در دولت و در زندگی شخصی خود بازی کنند. مک کولم گفت که از هنگام انقلاب ضدسلطنتی ما به مردم ایران به چشم قربانیان یک رژیم سرکوبگر نگاه کرده‌ایم. بسیاری بر این باور بودند که دوران ریاست‌جمهوری خاتمی رفرفهای مورد نظر را به‌دنبال خواهد داشت، احترام بیشتری به حقوق بشر گذاشته خواهد شد و روزی خواهد رسید که دموکراسی در ایران برقرار شود و مردم ایران جایگاه واقعی خود را در جامعهٔ بین‌المللی پیدا کنند. ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد چنین سبب خاتم شدن رژیم شایر، که خانواده‌های قربانیان انفجار بیروت را نمایندگی می‌کرد و اخیراً نیز در جلسهٔ رسمی کنگره، به‌عنوان شاهد دربارهٔ جایات تروریستی رژیم مالاهاشادات داده بود، سخنرانی خود را با توضیحاتی در مورد برداشش که در انفجار بیروت کشته شده، شروع کرد. خاتم دربی شایر بر چسب تروریستی علیه مقاومت ایران را یک هدیه به رژیم ایران توصیف کرد و گفت: «احمدی‌نژاد یک تروریست است و نه مقاومت ایران».

وی اضافه کرد: من به این نتیجه رسیده‌ام که مردم آمریکا و مردم ایران مثل هم هستند. هر دو یک چیز می‌خواهند که آن‌هم پایان تروریسم است. تروریسم تهدید به کشتن می‌کند. تنها به این دلیل که ما به آن امکان می‌دهیم. سپهد تام مکینتری، معاون سابق ستاد مشترک نیروی هوایی آمریکا به بررسی راه‌حل نظامی پرداخت و با اشاره به این که راه‌حل

تنتر افزود: ایالات متحده آمریکا می‌بایست برچسب تروریستی را از روی گروه‌های اپوزیسیون که در لیست سازمانهای تروریستی هستند، بردارد. برای چندین سال، اتحادیه اروپا سیاست قول دادن به رژیم بدون این که هیچ تهدیدی متوجه این رژیم کند را پیش برد. این کار ظاهراً با هدف تقویت موقعیت عناصر میانه‌رو در داخل رژیم ایران مانند محمد خاتمی، صورت می‌گرفت. در نقطهٔ مقابل، این کار منجر به تقویت موقعیت ولی فقیه و روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد شد.

پروفسور تنتر گفت: آمریکا باید مجاهدین خلق ایران را از لیست تروریستی خارج کند. پروفسور تنتر سپس به بررسی تحقیقات کمیتهٔ سیاست ایران پرداخت و گفت که تحقیقات شش ماهه توسط کمیتهٔ سیاست ایران به‌عنوان نمونه روی اتهامات وزارت خارجهٔ آمریکا علیه مجاهدین نشان می‌دهد که این اتهامات توسط هیچ مدرکی مورد تأیید قرار نگرفته‌اند.

سپس خاتم دربی شایر، که خانواده‌های قربانیان انفجار بیروت را نمایندگی می‌کرد و اخیراً نیز در جلسهٔ رسمی کنگره، به‌عنوان شاهد دربارهٔ جایات تروریستی رژیم مالاهاشادات داده بود، سخنرانی خود را با توضیحاتی در مورد برداشش که در انفجار بیروت کشته شده، شروع کرد. خاتم دربی شایر بر چسب تروریستی علیه مقاومت ایران را یک هدیه به رژیم ایران توصیف کرد و گفت: «احمدی‌نژاد یک تروریست است و نه مقاومت ایران».

وی اضافه کرد: من به این نتیجه رسیده‌ام که مردم آمریکا و مردم ایران مثل هم هستند. هر دو یک چیز می‌خواهند که آن‌هم پایان تروریسم است. تروریسم تهدید به کشتن می‌کند. تنها به این دلیل که ما به آن امکان می‌دهیم. سپهد تام مکینتری، معاون سابق ستاد مشترک نیروی هوایی آمریکا به بررسی راه‌حل نظامی پرداخت و با اشاره به این که راه‌حل

آمریکا، سخنرانان جلسه را به حضار معرفی نمود. وی هم‌چنین انتشار کتاب سالانهٔ «کمیتهٔ سیاست ایران» را که نسخه‌یی از آن به مدعوین داده شده بود را به اطلاع شرکت کنندگان در جلسه رساند. تام تانکردو در سخنرانی خود گفت: گذاشتن نام سازمان مجاهدین در لیست تروریستی که در دوران ریاست جمهوری قبلی آمریکا انجام شد، نتیجهٔ یک امتیاز دادن به رژیم ایران بود. ما به‌طور جدی باید در این موضوع تجدید نظر کنیم. من هیچ‌گاه بر این باور نبوده‌ام که سازمان مجاهدین تهدیدیی تروریستی است. تام تانکردیو رو به انبوه مشاوران نمایندگان که در سالن حاضر بودند، در مورد حمایت از مقاومت ایران گفت: من تعداد زیادی چهره‌های جدید می‌بینم که یانگر این است که این موضوع در این جاحامیان بیشتری پیدامی‌کند و من از این بابت خیلی خوشحال هستم.

سخنران بعدی جلسه، جان بوزمن، نمایندهٔ جمهوریخواه کنگره از ایالت آرکانزاس و عضو کمیته روابط بین‌المللی مجلس نمایندگان آمریکا بود. ایشان با اشاره به فعالیتهای جامعهٔ ایرانیان در ایالت آرکانزاس از تلاشهای آنها برای روشنگری و کسب حمایت برای مردم ایران و مقاومتشان قدردانی کرد. نماینده بوزمن اضافه کرد: ما نمایندگان که در این جلسه هستیم، در موضوعات اجتماعی دیگر با هم اختلافهای جدی داریم. ولی روی موضوع مقابله با تهدیدات رژیم و حمایت از مردم ایران همگی متحد و هم‌نظر هستیم.

پروفسور ریموند تنتر، عضو سابق شورای امنیت ملی آمریکا و رئیس فعلی کمیتهٔ سیاست ایران در سخنرانی خود گفت: بگذارید نتیجه‌گیری آخر را همان اول به‌شما بگویم و آن این که سه راه حل پیش پای جامعهٔ بین‌المللی است. یکی دیپلوماسی، یکی اقدام نظامی و دیگری سیاست تغییر رژیم. پروفسور تنتر گفت: اکنون که دیپلوماسی راه به جلو نمی‌برد و جهت‌گیریها به‌سمت اقدام نظامی است، زمان آن رسیده که ما به سیاست تغییر رژیم در ایران رو بیاوریم. پروفسور

ظهر روز چهارشنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۸۴ (ابرار به ۱۵ فوریه ۲۰۰۶، جلسه استماعی در تالار کانتن در مجلس نمایندگان آمریکا با عنوان ایران؛ تهدیدات، چالشها و راه کارها به‌دعوت نمایندگان هر دو حزب جمهوریخواه و دموکرات برگزار شد. در این جلسه که نمایندگان جان بوزمن، جمهوریخواه از ایالت آرکانزاس، عضو کمیتهٔ روابط خارجی، تام تانکردو، جمهوریخواه از ایالت کلرادو، عضو کمیتهٔ روابط خارجی، از اعضای ارشد کمیتهٔ فرعی تروریسم و از اعضای هیأت‌رئیس کمیتهٔ پارلمانی «دموکراسی و حقوق بشر در ایران»، خاتم شیلا جکسون لی، دموکرات از ایالت تگزاس، از اعضای ارشد کمیتهٔ قضائی و عضو برجستهٔ کمیتهٔ فرعی امنیت ملی، باب فیلنر، دموکرات از ایالت کالیفرنیا و رئیس مشترک کمیتهٔ پارلمانی «دموکراسی و حقوق بشر در ایران»، لیسی کلی، دموکرات از ایالت میسوری، عضو کمیتهٔ پارلمانی «دموکراسی و حقوق و حقوق بشر در ایران» و خاتم ادی برنیس جانسون، دموکرات از ایالت تگزاس، اقدام به برگزاری آن کردند، قریب به دویست تن از مشاوران نمایندگان، اعضای حرفه‌یی کمیته‌های خارجی، قوای مسلح، قضاییه و امنیت و اطلاعات کنگره آمریکا، نمایندگان سفارتخانه‌های کشورهای اروپایی، عربی و آسیایی، نمایندگان گام‌های ایرانیان در ایالت‌های مختلف و نمایندگان بنیادهای فکری و مطبوعات شرکت داشتند.

سخنرانانی که توسط نمایندگان کنگره آمریکا به این جلسه دعوت شده بودند عبارت بودند از: سپهد مکینتری، معاون سابق ستاد مشترک نیروی هوایی آمریکا و عضو «کمیتهٔ سیاست ایران»، خاتم لین دربی شایر، نمایندهٔ خانواده‌های قربانیان انفجار بیروت، پروفسور ریموند تنتر، رئیس «کمیتهٔ سیاست ایران»، ناصر رشیدی و آقای بروس مک کولم، رئیس سابق سازمان حقوق بشری فریدام هاوس و مسئول کمیتهٔ تقویت اپوزیسیون در «کمیتهٔ سیاست ایران».

قبل از شروع جلسهٔ استماع، آل گرین، نمایندهٔ دموکرات کنگره آمریکا با نمایندگان گام‌های ایرانی ملاقات کرده و حمایت خود را از برگزاری این جلسه استماع اعلام نمود.

ویلیام لیسی کلی نمایندهٔ کنگره، ضمن خوشامدگویی به حاضران، جلسهٔ را در ساعت یک بعدازظهر آغاز کرد. وی ابتدا به سیاست غلط آمریکا در مواجهه با تهدیدات روبه‌رشدی که از طرف احمدی‌نژاد و ملاهای حاکم بر ایران جهان را تهدید می‌کند پرداخته و یکی از علان واضح این اشتباه را قرار دادن نام سازمان مجاهدین خلق ایران در لیست تروریستی دانست.

آن‌گاه تام تانکردو، نماینده و عضو کمیتهٔ خارجی کنگره

بیش از ۱۰۰۰ وکیل و حقوقدان ایتالیایی به ابتکار هزاران حقوقدان و وکیل اروپایی پیوستند و خواستار حذف نام سازمان مجاهدین خلق ایران از لیست تروریستی شدند

اکثریت پارلمان فعلی ایتالیا در سه نوبت یعنی در ۱۴ مارس ۲۰۰۲، ۳۰ ژانویه ۲۰۰۳ و ۳ مارس ۲۰۰۴، حمایت خود را از مقاومت ایران اعلام داشته و خواستار خارج کردن نام مجاهدین خلق ایران از لیست گروههای تروریستی شده‌اند



آقای حکیمان افزود همان‌طور که خانم مریم رجوی رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت ایران در نوامبر سال ۲۰۰۴ در پارلمان اروپا خطاب به نمایندگان گفتند، مقاومت ایران از غرب نه پول می‌خواهد و نه سلاح. آن‌چه ما می‌خواهیم به‌رسمیت شناختن حق تغییر دموکراتیک در ایران به‌دست مردم و مقاومت ایران است. کشورهای غربی باید سیاست مماشات با این رژیم قرون وسطایی را متوقف کنند و از مقاومت ایران حمایت نمایند.

رژیم ایران و متقابلاً به‌رسمیت شناختن آنتی‌تز بنیادگرایی، یعنی سازمان مجاهدین خلق و خروج نام آنان از لیست تروریستی شده‌اند، در نامه‌یی که از طرف تعدادی از نمایندگان ایتالیا در تاریخ ۲۵ ژانویه ۲۰۰۶ نوشته شده، آمده است: «اکثریت پارلمان فعلی ایتالیا در سه نوبت یعنی در ۱۴ مارس ۲۰۰۲، ۳۰ ژانویه ۲۰۰۳ و ۳ مارس ۲۰۰۴، حمایت خود را از مقاومت ایران اعلام داشته و خواستار خارج کردن نام مجاهدین خلق ایران از لیست گروههای تروریستی شده‌اند».

داده نشده که این بر اساس قوانین بین‌المللی مروج می‌باشد. سخنران بعدی این کنفرانس محمود حکیمان، عضو کمیسیون خارجی شورای ملی مقاومت ایران بود که در سخنانش به ابعاد سیاسی این مسأله پرداخت. وی در بخشی از سخنانش گفت: علاوه بر اعلام همبستگی و حمایت بیش از هزار وکیل و حقوقدان ایتالیایی از مجاهدین، طی سه دوره، اکثریت پارلمان ایتالیا با امضای بیانیه‌یی قاطعانه خواهان قطع حمایتهای سیاسی و بین‌المللی از

انظریه‌های حقوقی نوشته شده توسط برجسته‌ترین حقوقدانان اروپایی نشان می‌دهد که این نامگذاری هیچ مبنای حقوقی و قانونی ندارد و صرفاً به‌دلایل سیاسی صورت گرفته است. زیرا مقاومت ایران یک مقاومت آزادیخواهانه می‌باشد که برای دموکراسی در ایران مبارزه می‌کند. مجاهدین خلق ایران همان‌گونه که در بیانیه هم آمده از سال ۲۰۰۱ به بعد هیچ‌گونه فعالیت نظامی نداشته‌اند و همهٔ فعالیت‌هایشان سیاسی بوده است. به‌علاوه در این نامگذاری هیچ‌گونه حق دفاعی به مجاهدین

اکنون دیگر برهیچ کس پوشیده نیست که گذاشتن نام سازمان مجاهدین خلق درلیست سیاه تروریستی محصول شوم سیاست مماشات ازسوی دولتهای غربی و کوتاه آمدن آنها دربرابر هیولای شوم بنیادگرایی و پاسخ مثبت به باج‌خواهیهای این رژیم قرون‌وسطایی است. هفتهٔ گذشته جک استراو وزیر خارجه انگلستان، در مجلس اعیان این کشور اعتراف کرد سازمان مجاهدین به خواست رژیم ایران وارد لیست تروریستی شده است. آقای کارلو توچی در بخشی از سخنانش گفت:

ایتالیا - رم: چهارشنبه ۲۶ بهمن ۸۴ (۱۵ فوریه): دریک کنفرانس مطبوعاتی که در محل فدراسیون ملی خبرنگاران در شهر رم برگزار شد، فراخوان بیش از ۱۰۰۰ وکیل و حقوقدان ایتالیایی برای حذف نام مجاهدین از لیست تروریستی اعلام شد. در این کنفرانس تعدادی از وکلای اعضاکنندهٔ بیانیهٔ حمایت از مجاهدین ازجمله وکلای کارلو توچی و مانوینزیو اولیوا و نیز روشنفکران و شخصیتهای سیاسی ایتالیایی ازجمله آقای سالواتور کرسیانی نویسنده، آقای جولیو واساتورو وکیل و محقق و نمایندگان مقاومت ایران شرکت داشتند.

در فراخوان بیش از ۱۰۰۰ تن از وکلای و حقوقدانان ایتالیایی تصریح شده است: گنجاندن نام سازمان مجاهدین خلق ایران، نیروی اصلی مقاومت ایران در لیست سازمانهای تروریستی هیچ مبنای حقوقی، سیاسی و اخلاقی ندارد و باید بلادرنگ تصحیح شود.

حقوقدانان ایتالیایی همصدا با ۶۵۰۰حقوقدان از سراسر اروپا تأکید کردند که حذف این برجسب ناعادلانه لازمۀ تغییر دموکراتیک در ایران است و ادامهٔ آن به ادامهٔ سیاستهای سرکوبگرانه و ترستی رژیم آخوندی و تلاشهایش برای دستیابی به سلاح اتمی کمک می‌کند. در کنفرانس مطبوعاتی رم ابتدا آقای اسماعیل محدث، سخنگوی انجمن فارغ‌التحصیلان ایرانی هوادار شورای ملی مقاومت در ایتالیا، ضمن قدردانی ازپاسخ مثبت بیش از هزاروکیل به فراخوان حمایت ازسازمان مجاهدین افزود: